

مرگ بر امپریالیسم  
امریکا  
دشمن اصلی خلقها

# روزنامه

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید



چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۵۴ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۶ صفحه - قیمت ۲۰۰ ریال

مردم در جشن سراسری خود بمناسبت قطع روابط دیپلماتیک با امپریالیسم آمریکا پیمان بستند:

## تقاطع کامل سلطه امپریالیسم

### به مبارزات ضد امپریالیستی خود ادامه خواهیم داد.

جمعه ۲۲ فروردین، میلیونها تن از مردم میهن ما، به شادی قطع رابطه دیپلماتیک آمریکا با ایران، دست به راهپیمایی زدند. صفوف فشرده و انبوه توده‌های مبارز میهن ما چون سیلی عظیم و خروشان در شهرها و روستاهای ایران جاری شد و نشان داد که اکثریت عظیم مردم میهن ما بقیه در صفحه ۲



تظاهرات پرشکوهِ خلق

به شادی قطع رابطه دیپلماتیک آمریکا با ایران - تهران - جمعه ۲۲ فروردین ۱۳۵۹

## بنی صدر در فکر اتحاد با امپریالیسم اروپا و ژاپن

آقای رئیس جمهور، روز جمعه ۲۲ فروردین، در پاهان تظاهرات ضد امپریالیستی مردم، یکبار دیگر تمایل خود را به بسط مناسبات اقتصادی و سیاسی با امپریالیسم اروپا و امپریالیسم ژاپن نشان داد. او طبق معمول کوشید دولت‌های امپریالیستی اروپا و ژاپن را که دشمنان سوگند خورده خلقهای ایران و جهان اند، دوست مردم ما جلوه دهد. بنی صدر گفت:

اروپا و ژاپن توانائی "ابر قدرت" شدن را ندارند. آنها زیر سلطه آمریکا هستند. او قبلاً نیز در سخنرانی‌اش که از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد، گفته بود که ما می‌توانیم با این دولت‌ها کنار بیائیم. راستی، منظور رئیس جمهور از کنار آمدن با این دولت‌های امپریالیستی و نیز منظور او از اصطلاح "ابر قدرت" چیست؟

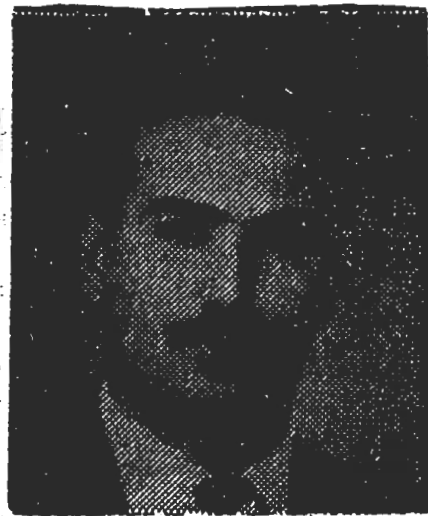
امپریالیسم یک سیستم جهانی است و هر دولت است امپریالیستی از امپریالیسم انگلیس و فرانسه گرفته تا امپریالیسم ژاپن و امپریالیسم آمریکا، اجزای جدائی ناپذیر سیستم جهانی امپریالیسم هستند. اما آقای رئیس جمهور می‌خواهد زیر پوشش اصطلاح "ضد علمی" دوا بر قدرت " که اختراع خود امپریالیست‌ها است، ماهیت ضد خلقی و امپریالیستی دولت‌های اروپا و ژاپن را پوشیده بقیه در صفحه ۲

به مناسبت سالگرد فاجعه ترور

رفیق بیژن جزنی، و همزمان...

از حماسه شهادت رفیق جزنی و همزمان

تا حماسه شهادت رفیق توماج و...



"سلولم مجاور سلول عباس سورکی بود. هر صبح باریتم بنداول "انتگر ناسیونال" به یکدیگر صبح به خیر می‌گفتم. صبح چند روز مانده به ۳۰ فروردین بود. مثل هر صبح من مورس سلول نبود. بقیه در صفحه ۸

## قانون کار و مساله

### کارگران موقت

طرح مسئله کارگر ثابت و کارگر موقت، طرحی است تبعیض طلبانه و ضد کارگری. سرمایه‌داری این تبعیض را آگاهانه دامن می‌زند تا در مقابل اعتراضات کارگری از قدرت کنترل و سرکوب وسیع تری برخوردار باشد.

در صفحه ۱۵

### در این شماره:

بنی صدر. موافق قطع ارتباط با آمریکا یا مخالف آن؟ کدام یک!

در صفحه ۶

در مبارزه مردم خاورمیانه علیه امپریالیسم آمریکا.

نورای انقلاب در کنار کیست؟

در صفحه ۱۶

باند های سساد، مزدور سرمایه داران

در صفحه ۱۶

انجام رسیده مردم در ۱۵ روز دی و پس از آن

کراندانت چهلین روز شهادت

فدائیان شهید توماج، مخوم، واحدی و جرجانی

در صفحه ۱۶

۱۷ آوریل سالروز پیروزی خلق کاموجا بر رژیم دست‌نشانده لاون پول

کاموجا: پنج سال پس از انقلاب ۱۹۷۵

در صفحه ۱۲

با سداران عربی دورود را هم به خون کشیدند

در صفحه ۵

همبستگی و مقاومت بگيرانه کارگران و کارکنان اشارات امریکایی

در صفحه ۱۲

به پیروزی انجامید

## نه سازش، نه تسلیم، نبرد با آمریکا

تکثیر از سازمان و نشر آن را بپذیرید

# ناقطع کامل سلطه...

بقیه از صفحه ۱

دشمن سوگند خورده خود و همه خلقهای جهان را می شناسد. زن و مرد و پیر و جوان با شور و اشتیاق به کوچه و خیابان ریختند و عزم راسخ خود را در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه دار وابسته به آن به نمایش گذاشتند.

در این راهپیمایی عظیم مردم نشان دادند که به رغم همه اقدامات سازشکاران و مرتجعین، وحدت و شور انقلابی خود را که ضامن تداوم مبارزه علیه امپریالیسم است، حفظ کرده و بیش از پیش تقویت کرده اند.

در این روز به دعوت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، جمعیت عظیمی از اعضا و هواداران سازمان در میدان بهارستان گرد آمدند. این جمعیت بقدری بود که در ساعت ۹/۵ صبح میدان بزرگ بهارستان کاملاً پر از جمعیت بود و حتی خیابان این سینا نیز از این جمعیت موج می زد.

در ساعت ۱۰ صبح جمعیت در صفوف منظم و فشرده با دادن شعار علیه امپریالیسم آمریکا و علیه سازشکاران به سوی مرکز جاسوسی آمریکا به حرکت درآمد. در جریان راهپیمایی مردمی که در مسیر قرار داشتند، از پیاده روها پشت بام ها و بالکن ها راهپیمایان را مورد حمایت و تشویق قرار می دادند و وعده های از آنان نیز به صف عظیم راهپیمایان می پیوستند.

برخی از شعارهای راهپیمایی:

"اتحاد، اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد، علیه امپریالیسم"  
 "تحریم اقتصادی، تهاجم نظامی، هرگز اثربندارد"  
 "خروش هر کارگر، خروش هر بزرگ، مرگ بر سازشکار مرگ بر سازشکار"  
 "در صورت تهاجم ایران را سراسر ویتنام می کنیم"  
 "برچیدن شوراها، خلع سلاح مردم، علیه زحمتکشان"  
 "به نفع امپریالیسم، اموال آمریکائی به هر تجویبه هر شکل ملی باید گردد"

"ایران را گورستان امریکا می کنیم"

وقتی صف راهپیمایان به مرکز جاسوسی آمریکا رسید، قطعنامه راهپیمائی از بلندگوها خوانده شد و پس از آن شرکت کنندگان با دادن شعارهای ضد امپریالیستی و با یک دنیا شور، شوق مبارزه، دسته دسته به سوی نقاط مختلف تهران روان شدند.

## حش اول ماه مه را هر چه با شکوه تر بر گزار کنیم

### بنی صدر در فکر اتحاد با امپریالیسم...

بقیه از صفحه ۱

دولت های امپریالیستی اروپا و ژاپن همانقدر دشوار است که تجزیه طلب جلوه دادن خلق کرد و ضدانقلاب خواندن نیروهای انقلابی!

منظور آقای رئیس جمهور البته روشن است. او دولتهای امپریالیستی اروپا و ژاپن را در مبارزه خود علیه کشورهای سوسیالیستی، متحد خویش می داند و البته این درک او کاملاً به جا است اما صد البته جناب رئیس جمهور نمی تواند مقصود خود را صراحتاً با مردم در میان گذارد.

سیاستی که امروز بنی صدر می خواهد به مرحله اجرا بگذارد کم و بیش همان سیاستی است که نظریه "سه جهان" نام گرفته است. این سیاست مرزهای طبقاتی را درهم ریخته و دولتهای اروپائی و رژیم های دست نشاندهای مثل ضیاء الحق را متحد خلقهای تحت سلطه جلوه می دهد. این سیاست در عمل به دشمنی با کشورهای سوسیالیستی برمی خیزد و در کنار امپریالیسم جهانی قرار می گیرد و از همین رو است که بنی صدر در لفظ از لزوم مبارزه با "بر قدرت" آمریکا سخن می راند ولی در عمل هیچ گونه قدم جدی در زمینه قطع وابستگی ایران به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکایی برداشته نمی تواند هم بردارد.

سیاست خارجی شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور در تضاد مستقیم با خواسته های ضد امپریالیستی توده ها است و در بسیاری موارد با خط عمومی دیپلماسی امپریالیسم امریکا همسواست. شرکت در کنفرانس ارتجاعی پاکستان و نزدیکی آقای رئیس جمهور با ضیاء الحق امریکائی تنها جنبه های از این همسوئی را نشان می دهد.

شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور به مناسبت قطع رابطه دیپلماتیک با آمریکا در جشن و سرور توده های مردم خود را شریک می دانند. پرسیدنی است که اگر واقعاً خواستار این امر بودید، پس چرا تا کنون پیش قدم نشدید؟ پرسیدنی است که چرا هنوز هم از الغای قرارداد های امپریالیستی خود داری می نمائید؟؟

بنی صدر می گوید: "من نمی خواهم اروپا و ژاپن را جانشین بر قدرتها بکنم من می خواهم ملت های اروپائی را که آمادگی دارند از سلطه بر قدرتها بیرون بکنم."

آقای رئیس جمهور! فعلاً بیرون کشیدن ملت های اروپائی از سلطه بر قدرتها "پیشکش" لطف بفرمائید قرارداد های ایران با کشورهای امپریالیستی را لغو کنید و در معرض دید مردم بگذارید. یکسال و اندی است که مردم خواستار قطع سلطه سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی در ایران هستند. لطف بفرمائید و کارنامه خودتان را در شورای انقلاب، دولت و مقام ریاست جمهوری به مردم ارائه دهید.

نگاه دارد و بکوشد در توده ها این توهم را ایجاد کند که امپریالیسم آلمان، ژاپن، فرانسه و غیره متحد امپریالیسم امریکا نیستند بلکه دشمن امریکا و دوست ما هستند!

منافع امپریالیسم جهانی چنان بهم در آمیخته است که با کوچکترین اختلال در اقتصاد امریکا، منافع دولتهای امپریالیستی اروپا و ژاپن به خطر می افتد و بالعکس. اختلاف امپریالیست ها تنها بر سر آن است که هر یک سهم بیشتری از استثمار و غارت خلقهای ایران و دیگر خلقهای زیر سلطه جهان را طلبند و اگر نه آنها در غارت و استثمار طبقه کارگر کشورهای خویش و خلقهای تحت سلطه، شرکا و متحدان بگردند.

وقتی منافع امپریالیسم امریکا در زئیر به خطر می افتد، امپریالیسم فرانسه بیهوش برای سرکوب انقلابیون زئیر به این کشور نیرو می فرستد. هنگامی که امپریالیسم امریکا به کشتار خلق ویتنام دست می زند، امپریالیسم انگلیس در کنار امریکا قرار می گیرد و در سرکوب مردم آفریقای جنوبی امپریالیسم امریکا، فرانسه، آلمان و ژاپن همگی در کنار رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی قرار می گیرند و در حمایت از رژیم شاه و غارت میهن ما همگی شرکت داشته و دارند و خلاصه این که هم اکنون امپریالیسم آلمان نیز برای دفاع از منافع امپریالیسم جهانی به خلیج فارس ناوگان اعزام کرده و...

اگر آقای رئیس جمهور خبر ندارد که دارد مردم ما سالهاست که می بینند چگونه بازار میهن ما را کالاهای ژاپنی، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی و امریکائی اشغال کرده است و چگونه همه این کشورها نفت ما را به غارت می برند مردم آگاه ما به تجربه خویش دریافته اند که همه این دولتهای امپریالیستی دشمنان ما هستند. کارگران و زحمتکشان ما به خوبی دریافته اند که سرمایه های کشورهای امپریالیستی متحداً آنان را استثمار و غارت می کنند. اگر تنها نظری کوتاه به تاریخ جنگ جهانی دوم تا کنون بیندازیم می بینیم که چگونه امپریالیست ها برای استثمار و غارت خلقهای جهان به هر جنایتی دست می زنند و هیچ کدام دست کمی از دیگری ندارند. یک روز امپریالیسم آلمان خلقهای جهان را مورد تهاجم ارتش نازی قرار می هدوبرای کسب منافع بیشتر میلیون ها تن از زحمتکشان جهان را کشتار می کند یک روز امپریالیسم ژاپن در حرص غارت بیشتر، خلق گره را کشتار می کند، روز دیگر فرانسه مردم محروم الجزایر را کشتار می کند امپریالیسم امریکا بزرگترین جنایات تاریخ را در ویتنام مرتکب می شود و یا انگلیسها همراه با ارتش شاه، خلق عمان را به خون می کشند و هم اکنون آلمان و فرانسه برای سرکوب مردم جنوب آفریقا، نژاد پرستان آفریقای جنوبی را تا دندان مسلح می کنند و در جاد به کشتار مردم مشغولند و...

خیر! آقای رئیس جمهور کار دشواری در پیش دارید، تطهیر -

# بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

## بسیج بسوی سسین

# قطعه نامه راهپیمائی جمعه ۲۲ فروردین ۱۳۵۹ بشادی قطع رابطه آمریکا با ایران

## مردم مبارز ایران!

سرانجام اتحاد و مبارزه پیگیر کارگران و زحمتکشان همراه با تلاش و ایستادگی پیکارجویانه نیروهای مبارز و انقلابی نقشه‌های سازشکاران را با شکست مواجه ساخت و امپریالیسم آمریکا روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد. از روز اشغال مرکز جاسوسی آمریکا تا لحظه قطع روابط دیپلماتیک، شورای انقلاب، وزارت خارجه و شخص رئیس جمهور تمام کوشش خود را به کار بردند تا به هر قیمت و به هر بهانه گروگان‌ها را آزاد و رابطه خود را با آمریکا بهبود بخشند و نظر لطف آن را نسبت به خود جلب نمایند. مردم در برابر تمام این تلاش‌ها در طول این مدت همواره می‌خواستند گروگان‌ها محاکمه شوند و تنها در صورتی که امپریالیسم آمریکا شاه جنایتکار و اموال به غارت رفته مردم را تحویل دهد، از مجازات گروگان‌ها چشم‌پوشی شود.

ما می‌پرسیم مگر نه اینکه دولت آمریکا به این علت روابط خود را با ایران قطع کرد که متوجه شد دیگر تلاش شورای انقلاب و وزارت خارجه برای تحویل گروگان‌ها با مقاومت مردم روبرو شده و نمی‌تواند به انجام برسد. پس چگونه است که امروز شورای انقلاب و رئیس جمهور مدعی می‌شوند که باید اجازه داد سازشکاران مدعی مبارزه ضد امپریالیستی شوند. تمام تلاش دولت آمریکا آن بود که گروگان‌ها به شورای انقلاب تحویل داده شوند. رئیس جمهور آمریکا درست به این دلیل تصمیم به قطع رابطه با ایران گرفت که رئیس جمهور ایران و شورای انقلاب از تحویل گرفتن گروگان‌ها قطع امید کردند و نباید فراموش کرد که موضع "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" و حمایت آیت‌الله خمینی در این قطع امید و ارتباط درخور توجه است. و اکنون همان کسانی که تنها آخرین لحظات روز دوشنبه ۱۸

فروردین کوشش کردند درخواست کارتر را که در پیام وی کاملاً منعکس بود، برآورده سازند همان کسانی که پیام نوروزی آیت‌الله خمینی را خواستنیان را برآورده می‌ساخت و از آن پیام بیشترین بهره‌برداری را کردند، همان کسانی که می‌خواستند و می‌کوشند شوراها را برچینند، همان کسانی که برای سرکوب خلق کردتدارک می‌بینند، همان کسانی که با تمام نیرو تلاش می‌کنند مردم را در برابر امپریالیسم خلع سلاح کنند. همان کسان امروز می‌خواهند خود را پرچمدار مبارزه علیه امپریالیسم وانمود کرده و مردم را به اتحاد زیر پرچم خود دعوت کنند. آری! امروز شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور می‌کوشند این پیروزی مردم، یعنی قطع روابط دیپلماتیک آمریکا با ایران را به حساب خود بنویسند. ما همه فریب کاری‌ها را با کمال قدرت افشاء خواهیم کرد و اجازه

نخواهیم داد کسانی که در این مبارزات ضد امپریالیستی سهمی نداشته‌اند، خود را پرچمدار مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها معرفی کنند. قطع رابطه با آمریکا و هر پیروزی دیگری که خلق به دست آورد نتیجه مبارزه فخرمانانه طیفه‌کارگر و دهقانان زحمتکش است. نتیجه مبارزات بی‌امان نیروهای انقلابی است، نتیجه مبارزه کسبه و پیشه‌وران، سربازان و درجه‌داران، همافران و افسران جزا، است، نتیجه مبارزه کارمندان و معلمین، دانشجویان و دانش‌آموزان، طلاب و روحانیون ضد امپریالیستی است که وجودشان سراسر کینه و نفرت از امپریالیسم و شور مبارزات ضد امپریالیستی است. ما شرکت کنندگان در این راهپیمائی بر شکوه که به شادی قطع رابطه آمریکا با ایران برگزار شده است، با صدور این قطعه نامه، اعلام می‌داریم.

۱- ما همه نیروهای مترقی را به وحدت و تشکل زیر شعار "مرگ برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا" دعوت می‌کنیم، ما تلاش کسانی را که می‌خواهند تحت عنوان مبارزه با ابرقدرت‌ها مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما را به انحسار کشانند و لبه تیز آن را از سوی امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق به این سو منحرف کنند. قویا محکوم می‌کنیم، ما تلاش‌هایی که دولت‌های امپریالیستی اروپا و امپریالیسم زاپین را دوست مردم ما جا می‌زند، قویا محکوم می‌کنیم.

وحدت همه نیروهای مترقی حول شعار "مرگ برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا" جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق‌های ما را تقویت می‌کند و به پیش می‌برد. ما همه تلاش‌هایی را که می‌کوشند به بهانه‌های شرعی و غیر شرعی بین صفوف مردم تفرقه بیندازند و جنبش خلق را به چند پاره تقسیم کنند و مردم را به دشمنی با هم بکشانند محکوم می‌کنیم. و این تلاش‌ها را مشخصاً به زبان خلق و در نتیجه در خدمت امپریالیسم آمریکا می‌دانیم.

۲- گروگان‌های آمریکائی که تحت پوشش وظایف دیپلماتیک به سازماندهی مجدد شبکه‌های سیا و ساواک و ارتباط با فرماندهان ارتش به خرابکاری و توطئه علیه انقلاب و انقلابیون مشغول بوده‌اند، باید در پیشگاه خلق محاکمه و سپس با شاه و اموال به غارت رفته مردم معاوضه و در صورت امتناع امپریالیست‌ها از استرداد شاه و اموال به غارت رفته حکم محکومیتشان باید به اجرا گذاشته شود. ما هرگونه سازش بر سر مسئله جاسوسان آمریکائی و بازگرفتن شاه و اموال به غارت رفته مردم را محکوم می‌کنیم.

۳- ما اقدامات رژیم ضد خلقی عراق را در سرکوب مبارزات حق طلبانه خلق کرد و عرب عراق قویا محکوم کرده و حمایت و پشتیبانی قاطع خود را از مبارزات سازمان‌ها و احزاب مترقی و انقلابی خلق‌های ستمکش عراق اعلام می‌کنیم. خرابکاری‌های رژیم عراق در تاسیسات نفتی ایران تهدیدات و تهاجمات نظامی علیه مردم ایران و برنامه‌های فریبکارانه رادبو بغداد همگی از سلسله تلاش‌هایی است که رژیم عراق برای منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما و ضربه زدن به انقلاب و انقلابیون میهن ما بدان دست

می‌زند. ما خلق‌های قهرمان ایران و عراق را به وحدت رزمنده علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم سرکوبگر و ضد مردمی عراق دعوت می‌کنیم.

۴- ما تلاش حکومت و پافشاری شخص رئیس جمهور را برای خلع سلاح مردم و نیروهای انقلابی، تلاش در جهت خلع سلاح مردم در برابر امپریالیسم می‌دانیم و آن را قویا محکوم می‌کنیم. ما خواهان تشکیل ارتش خلق هستیم، ارتشی که بیست میلیون از مردم ما را در شوراها، کمیته‌ها و سازمان‌های مسلح توده‌ای متشکل می‌کند. تنها چنین ارتشی است که می‌خواهد و می‌تواند از خلق در برابر امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار دفاع کند. ما ابقای فرماندهان آمریکائی ارتش و تحکیم نظام اطاعت کورکورانه را که برای به خون کشیدن و سرکوب مبارزات زحمتکشان ایران دنبال می‌شود، دشمنی آشکار با مردمی می‌شناسیم که برای آزبای درآوردن همین ارتش دهها هزار شهید داده‌اند. ما از مبارزات پرسنل انقلابی و شوراها سربازان، درجه‌داران و افسران جزا قویا حمایت می‌کنیم.

۵- ما اعلام می‌کنیم ارتش در کردستان تحت پوشش مانور نظامی، کشتار مردم عبور کردستان را تدارک می‌بیند. ما اعلام می‌کنیم ارتش در تدارک حمل جنگ خونین دیگری به خلق قهرمان کرد است. ما به جنایتکارانی که در این تصورند که به زور این ارتش دست‌پرورده آمریکا می‌توانند نهضت مقاومت خلق کرد را سرکوب و خفه سازند و در پی آن جنبش ضد امپریالیستی خلق ما را در سراسر ایران سرکوب کنند، هشدار می‌دهیم که این بار جنبش مقاومت خلق کرد با پشتیبانی وسیع و همه جانبه نیروهای انقلابی در سراسر ایران و بهره‌گیری از تجربه جنگ تحمیلی گذشته که به پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد انجامید، به مراتب درسی بزرگ‌تر از گذشته به سرکوبگران خواهد داد. ما یکبار دیگر پشتیبانی خود را از هیئت نمایندگی خلق کرد و برنامه ۲۶ ماده‌ای آن اعلام می‌داریم.

۶- ما کوشش شورای انقلاب و دولت و برخی از مراجع را که می‌خواهند به بهانه‌های شرعی و سیاسی زیر پوشش مقابله با اخلاک‌گری زمین‌های دهقانان را که از مالکین مصادره کرده‌اند از آنان پس بگیرند و به مالکین برگردانند، محکوم کرده و زمین را حق مسلم کسانی می‌دانیم که روی آن کار می‌کنند زمین‌داران بزرگ و فتوادل‌ها در سراسر ایران

باید در اختیار شوراها دهقانی قرار گیرد. دولت باید حق مالکیت شوراها دهقانی-ترکمن صحرا را بر زمین و دیگر وسائل تولید به رسمیت بشناسد. ما هرگونه تجاوز به حقوق شوراها دهقانی را در بهره‌برداری از زمین‌هایی که در اختیار گرفته‌اند قویا محکوم می‌کنیم.

۷- دولت، شورای انقلاب و مدیران و کارفرمایان موسسات به بهانه‌های مختلف و به نام "پاکسازی کارگران و کارکنان آگاه و مبارز را اخراج و سیکار می‌کنند. رئیس جمهور تهدید کرده است که شوراها را برمی‌چیند و مقاومت کارگران را تحت عنوان اخلاص سرکوب می‌کند. در همین حال هیئت حاکمه می‌کوشد عوامل رژیم شاه و عناصر مغفور و کثیفی را که به دست کارگران از کارخانه‌ها و موسسات اخراج شده‌اند به سرکار بازگرداند. ما این سیاست‌ها را مشخصاً به سود طبقه سرمایه‌دار می‌شناسیم. ما، همه نیروهای مترقی را به پشتیبانی از شوراها کارگری و پاکسازی عناصر ضد کارگری و ضد مردمی دعوت می‌کنیم.

۸- ما اعلام می‌کنیم باندهای سیا و دستجات جنایتکار به مثابه یک خطر جدی در برابر جنبش انقلابی خلق قرار گرفته‌اند. کمیته‌ها، سپاه پاسداران و دولت از این جنایتکاران حمایت می‌کنند و آنان را در پناه خود می‌گیرند. هم‌اکنون شخص رئیس جمهور از معرفی عاملین فاجعه ترور رهبران شوراها خلق ترکمن توماج، مختوم، واحدی و جرجانی به پیشگاه خلق اجتناب می‌کند و بدین طریق آنان را عملاً در پناه و حمایت خود گرفته است. ما همه نیروهای انقلابی را برای امشیا، و نابودی این باندهای جنایتکار که هر روز در گوشه‌های از میهن ما دست خود را به خون انقلابیون خلق آغشته می‌کنند به اتحاد عمل دعوت می‌کنیم.

۹- بیش از یکسال از فیام بر شکوه خلق می‌گذرد، اما نه تنها مشکل گرانی، بیکاری و بحران مسکن حل نشده بلکه بر اثر سیاست‌های دولت رور به روز بیکاری و گرانی شدت بیشتری یافته است و امروز سلامت و زندگی میلیون‌ها زحمتکش ایرانی را به خطر انداخته است. ما مسئولیت ادامه و تشدید گرانی کمرشکن، بیکاری و بحران مسکن را متوجه سیاست‌های دولت و شورای انقلاب می‌دانیم.

مرگ برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا  
پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق‌های ایران  
گسترده‌باد اتحاد عمل همه نیروهای آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

جمعه ۲۲ فروردین ۱۳۵۹

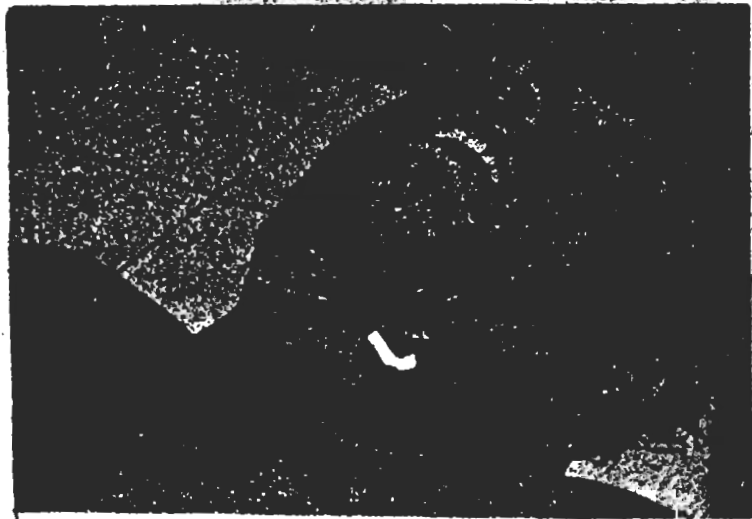
# باندهای سیاه...

بقیه از صفحه ۱۶

# ترور مبارز شهید رفیق شاپور تقریبی

باز هم باندهای سیاه فاجعه آفریدند. این بار سنندج محل فاجعه انتحاری شده بود و جاشهای محلی این مزدوران سرسپرده امپریالیسم محری "فرمان سبانه" بودند.

رفیق شاپور تقریبی، رزمیده دلیر کرد قربانی جنایتی هولناک شد. رفیق از دوران دانش آموزی به مبارزه با رژیم برخاست و در راه رهایی خلق ستم دیده جانپنازی ها را



رفیق شاپور و مقاومت قهرمانانه اش در مقابل مزدوران حکایت از ایمان و اعتقاد او به آرمان طبقه کارگر و سایر زحمتکشسان دارد. ایمانی که او را تا مرز چنین شهادتی بالا می برد. شکنجه وحشیانه این عوامل مزدور نشان از وحشت آنها از نیروهای انقلابی میهنمان و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده هادارد.

ما بار دیگر مردم را به قضاوت می خوانیم. آیا جاشها این دشمنان قسم خورده خلق کرد می توانند آنچنان که بنی صدر می گوید "برادران مسلمان کرد" باشند؟

آیا فرماندهان ارتش برادر ما بودند که این کار ساواکی های جلاد برادران ما باشند؟

بدون تردید این جنایات بی پاسخ نخواهد ماند و خلق ایران همراه با همه نیروهای انقلابی خیلی زود ترازانچه خنایتکاران تصور می کنند، آنان را به سزای جنایت هایشان خواهند رساند.

جاش به زبان کردی یعنی جاسوس، آدم فروش، ساواکی

رشادتهای زیادی از خود نشان داد. ساواک نتوانست بر او دسترسی پیدا کند و رفیق تا آخرین لحظه زندگی افتخارآمیزش در سنگر مبارزات توده ها به سبز بادشمنان خلق ادامه داد. سرانجام روز چهارم اسفند ۵۸ هنگامی که رفیق با مقداری اعلامیه به قصد مسافرت به کرمانشاه از شهر خارج می شد، در کامیاران توسط جاشها و پاسداران دستگیر شد. مدت

۱۴ روز زندان جمهوری اسلامی بود. در این مدت جاشها و پاسداران چند روزی به او غذا ندادند و بعد متوسل به وحشیانه ترین شکنجه ها شدند تا مقاومت رفیق را درهم شکنند. اما رفیق تمام شکنجه ها را دلورانه تحمل کرد و به آرمان خلقش وفادار ماند. جسد رفیق نشان از آثار شکنجه های دارد که در شکنجه گاه های شاه به انقلابیون می دادند؛ جاشها بدن و صورت او را با اظووسیگار سوزانده اند، دشنه های درگلوبش فرو کرده و با کارد سرش را بریده اند و د گلوله در مغزش خالی کرده اند جسد رفیق در گردنه پلنگان پیدا شد و سنندج انتقال داده شد.

زندگی سراسر افتخار آمیز

ما با حملات خشماکین خود به صف او با شان چماق به دست و دستگیری آنها نشان دادند که چه نفرت عمیقی نسبت به این باندهای سیاه و مرتجع دارند. سوزاندن طفلی ۳ ساله در شوشتر، کشتن مبارزین با تبرودشنه، ربودن عناصر مترقی و کشتن آنها از پر شکنجه های آریامهری، آتشزدن، عربده کشیدن، خرابکاری، ترور و ایجاد فضائی متشنج و خفقان آور نه کار توده های انقلابی مابله که تنها و تنها کار امثال تهرانی ها و حسینی های جلاد، مزدوران و سرسپردگان امپریالیسم می تواند باشد.

باندهای سیاه خطری جدی برای امنیت توده ها و سازمان های انقلابی و ضد امپریالیست هستند. آزاد شدن ساواکی ها در این روزها از زندانها این خطر را جدی تر می کند. آنان با تجاربی که دارند، قطعاً به سازماندهی مجدد نیروهای ضد انقلابی کمک خواهند کرد. و اینکه که مبارزات ضد امپریالیستی توده ها هر روز گسترده تر و عمیق تر می شود، باندهای سیاه دست به توطئه های جدیدی خواهند زد. مادر گوشه و کنار میهنمان هم اکنون شاهد اعمال سیاه آنان هستیم. هر روز می شنویم کسی را ربودند، ترور کردند و با جسد تکه تکه شده ای در گوشه ای به دست آمد. نیروهای انقلابی موظفند ماهیت این باندهای سیاه را به توده ها توضیح دهند و با هوشیاری و عمل انقلابی دسیسه های آنان را خنثی نمایند.

باندهای سیاه از طرف ضد انقلاب یعنی سرمایه داران وابسته، مالکین و زمینداران بزرگ، شیوخ مرتجع محلی، سران ارتش، وابستگان به دربار و سلطنت طلبان حمایت شده و توسط عناصری چون بختیار، قطب زاده، چمران و... سازماندهی می شوند. مبارزهای بی ایمان علیه باندهای سیاه و اعمال ننگین آنان را جهت پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده ها به پیش بریم و از افشاء اعمال جنایتکارانه آنان برای توده های ستم دیده غافل نباشیم.

باندهای سیاه ورشکستگی سیاسی وابستگی به امپریالیسم را به نمایش می گذارند.

در میهن مانیز در دوران انقلاب چماق به دستگان آریامهری که توسط ایادی و وابستگان امپریالیسم امثال سالار جاف ها سازماندهی می شدند در اوج ورشکستگی سیاسی رژیم شاه فعالیت های ضد انقلابی خود را شروع کردند. خلق قهرمان مانه تنها این باندها را درهم شکستند بلکه ارتش ضد خلقی و امپریالیستی را نیز عقب راندند. اما بعد از سرنگونی شاه فعالیت این گروه ها با همان شیوه ها منتهی در قالبی دیگر و با شعار "حزب فقط حزب الله" از سر گرفته شد. مردم مبارز ما، زحمتکشان ماکه انقلاب خونینی پشت سر گذاشتند از این گروه ها به شدت متنفرند و از دیدن صحنه های جنایات آنها خشمگین می شوند. سازمانها و گروه های مترقی و توده ها بازها از جارج خود را به اشکال مختلف از تقویت چنین گروه هایی نشان داده اند. اما ما هر روز شاهد رشد یافتن و متشکل تر شدن این باندهای سیاه هستیم. این گروه ها از طرف ایادی سرمایه داران وابسته، فئودالها و زمینداران بزرگ سازماندهی می شوند و جناحی از حاکمیت آنها را تقویت می کند. این جناح در شورای انقلاب، سپاه پاسداران، کمیته ها، ارتش و بخصوص حزب جمهوری اسلامی ریشه دوانده اند. شیوه برخورد ارگان حزب جمهوری اسلامی: روزنامه جمهوری اسلامی، با این باندها به خوبی نشان می دهد که باندهای سیاه مورد حمایت چه احزاب و محافظی است. همیشه بعد از یک حمله وحشیانه به صفوف نیروهای مترقی و درگیری های خونین و کشته شدن چند مبارز، روزنامه جمهوری اسلامی می نویسد، فلان سازمان میتینگ داشت و گروهی از مردم! به مخالفت با آن میتینگ شعارهایی علیه آنها دادند و یا گروهی از مردم خشمگین! به صف ضد انقلابیون! حمله کردند روزنامه جمهوری اسلامی وقیحانه این او با نشان را گروهی از مردم تلقی می کند و می گوید حرمت انقلابی مردم مبارز ما را پائین بی آورد. توده های رزمیده ما طی دوران یکساله انقلاب و در روزهای خونین و پر شکوه قیام نشان دادند که از چه متانت انقلابی ای برخوردارند. مردم

توده ها به هیچ دیکتاتوری تمکین نمی کنند، بر ارتش ضد خلقی فائق می آیند و سیاست های اصلاح طلبانه سرمایه داری و امپریالیسم هم دیگر توده ها را نمی فریبند. این گروه های ضد انقلابی در حقیقت دست و پا زدن های مذبح خانه امپریالیسم و وابستگان را به نمایش می گذارند. در شرایط امروزی جهان و در کشورهای که سرمایه داری داخلی شان وابسته به امپریالیسم جهانی است، حکومت های داخلی که حافظ منافع سرمایه داران وابسته است رهبری باندهای سیاه را به عهده دارند و چون فعالیت این باندها ظاهر است جداز فعالیت سیستماتیک سازمان های اطلاعاتی و امنیتی این کشورها صورت می گیرد، حکومت ها از وجود و فعالیت چنین گروه هایی اظهار بی اطلاعی نموده و ظاهراً خود را مخالف اعمال سیاه این گروه ها نشان می دهند ولی تجارب انقلابات جهانی نشان داده است که حکومت ها در آستانه سقوط خود متوسل به دامنه نا آگاهترین و عقب مانده ترین قشر توده ها شده و آنها را علیه مردم به پا خاسته گروه بندی می کنند و به این ترتیب باندهایی به وجود می آورند. برای انجام منحن ترین و وحشیانه ترین و سیاه ترین شیوه های ترور و اعدام، اعضای باندهای سیاه از زمینها از نا آگاهترین و معمو لا بی چیزترین توده ها هستند که وقتی به خدمت این باندها درمی آیند دیگر تبدیل به مزدورانی می شوند که به علیه توده ها به کار گرفته می شوند. روسا و سردمداران این باندها اعضای سازمان های جاسوسی و تروریستی بین المللی و وابسته به امپریالیسم جهانی هستند. در تاریخ مبارزات کشورها، دوره هایی از فعالیت ضد انقلابی این باندها ثبت شده است که نشان دهند عمق ماهیت ضد خلقی رژیم های دست نشانده آن کشورهاست. باندهای سیاه در یونان سرهنگان، در شیلی، ترکیه، اندونزی، کشورهای آفریقایی و در هر جا که مبارزه ای علیه سلطه امپریالیسم وجود داشته فجایعی به بار آورده اند که در تاریخ جنایات امپریالیسم نمایانگر سیاه ترین اعمال ضد خلقی آنهاست.



# پاسداران غیرومی

## دورود را هم به خون کشیدند

در شهر دورود، پاسداران اعزامی در دفاع از زمین داران بزرگ و سرمایه داران، به روی دهقانان و کارگران و جوانان بیگار شهر آتش گشودند. آنها پاسداران بومی را که از مردم دفاع می کردند، خلع سلاح و وادار به استعفا کردند. پاسداران اعزامی که از تهران حمایت می شدند و حشیانه مردم را به رگبار مسلسل بستند. در این درگیری ها عده ای از مردم توسط پاسداران اعزامی کشته و زخمی و گروهی نیز بازداشت شدند.

در منطقه دورود، بخش وسیعی از زمین های منطقه در اختیار معدودی بزرگ مالک قرار دارد. این مالکین در عین حال زمین های مرغوب را در اختیار دارند. در مقابل این دسته کوچک دهقانان فقیر منطقه قرار دارند که با بی زمینی، بیگاری، گرانی، فقر و گرسنگی دست به گریختند. به این دلیل از چندی قبل بین روستائیان و مالکین درگیری و زد و خورد هائی به وجود آمد و گسترش یافت. مبارزه دهقانان علیه زمین داران بزرگ منطقه تا به آنجا پیش رفت که مشلادر روستای "پیرآباد" از توابع دورود، دهقانان زمین زمین داران بزرگ را مصادره کردند و با در اختیار گرفتن ماشین آلات کشاورزی به کشت جمعی زمین پرداختند. دهقانان روستاهای سندرگان، سیاهکله، جفابهرام و کوان نیز شوراهای دهقانی تشکیل دادند و به مصادره انقلابی زمین مالکین بزرگ و فتوادلها دست زدند. سپاه پاسداران دورود، در بیشتر مواقع از دهقانان دفاع می کردند و در مقابل تقاضای مالکین بزرگ که از آنها می خواستند علیه دهقانان اقدام کند، مقاومت می کردند. دادگاه انقلاب اسلامی دورود برخلاف پاسداران بومی دورود، همواره جانب زمین داران بزرگ و فتوادلها را داشت و به کمک رئیس زاندارمری، دهقانان منطقه را سرکوب می کرد.

۱۶ فروردین پس از این اقدام، فرماندار با تهدید از کارگران متحصن می خواهد که به تحصن خود خاتمه دهند. کارگران اعتراض می کنند و از فرماندار می خواهند که خواستهای آنان مورد رسیدگی قرار گیرد. در این بین پاسداران اعزامی وارد معرکه شده و به ضرب و شتم کارگران متحصن دست می زنند.

پاسداران اعزامی از همان روز با مانورهای نظامی به انواع خشونت دست می زنند تا شهر را متشنج ساخته و محیط ارباب و وحشت به وجود آورند. مردم دورود، در اعتراض به اقدامات پاسداران اعزامی، دست به تظاهرات می زنند و با شعار "پاسدار غیرومی اخراج باید گردد" خواهان اخراج پاسداران اعزامی می گردند.

پاسداران اعزامی برای مقابله با اعتراض مردم ابتدا اقدام به تیراندازی هوایی می کنند و به فاصله کوتاهی مردم را هدف می گیرند و به خاک و خون می کشند که در نتیجه آن ۳ تن به شهادت می رسند و دهها تن زخمی می شوند. کشتار پاسداران، موجب گسترش خشم و اعتراض مردم می شود و از هرسوی شهر به

طرف مرکز شهرداری هجوم می آورند. مردم از پاسداران بومی حمایت می کردند و با نفرت شعار می دادند "پاسدار غیرومی اخراج باید گردد". گفته می شود پاسداران اعزامی برای توجیه کشتارهای خود ساختمان شهرداری را به آتش می کشند و برای سرکوب انقلابیون شهر، مردم و نیروهای انقلابی را متهم به جنگ افروزی و آشوب می کنند. در این هنگام شهر یکپارچه علیه پاسداران اعزامی به اعتراض برمی خیزد. خیابانها توسط مردم بسته می شود تا مانع از حرکت خودروهایی نظامی پاسداران شوند.

حانه رازانی رئیس پاسداران غیرومی به آتش کشیده می شود و مبادرت به بازداشت وسیع مردم می کنند.

دستگیری و بازداشت مردم و ایجاد محیط رعب و وحشت هم اکنون نیز ادامه دارد. اعزام پاسداران و اقدام به سرکوب مردم طبق اطلاعات موجود با صلاح دید دستور رئیس جمهور، صورت گرفته است. دادستان انقلاب اسلامی برای تعهد دادی از بازداشت شدگان به اتهام محاربه با خدا، تقاضای اعدام کرده است. هم اکنون گروهی از مردم و خانواده های بازداشت شدگان در تحصن به سر می برند. کشتار مردم دورود و اقدامات سرکوبگرانه پاسداران اعزامی و دادگاههای انقلاب و... علی رغم تبلیغات رادیو و تلویزیون و فریب کاری های مقامات، خشم مردم منطقه را برانگیخته است. مقامات رسمی تمام کوشش خود را به کار می برند تا حقایق را از مردم پنهان کنند و برای اقدامات سرکوبگرانه خود توجیحات لازم را فراهم آورند.

- خواست مردم و متحصنین دورود به شرح زیر است:
- ۱- اخراج پاسداران غیر بومی.
  - ۲- بازگشت پاسداران بومی.
  - ۳- مجاکمه و مجازات مسببین کشتار مردم دورود.
  - ۴- آزادی کلی زندانیان.
  - ۵- لغو سانسور رادیو و تلویزیون.

به مناسبت چهلمین روز شهادت فدائی خلق رفیق سعید عقیقی

## خاطره اش را گرامی می داریم

رفیق سعید عقیقی دانشجوی پیشگام دانشگاه رازی در اواخر بهمن سال گذشته توسط مردان مسلح ربوده شد و در ۶ اسفند ماه سال ۵۸ جسد او را که نشانه شکنجه های وحشیانه بر آن بود در تپه های سراب نیلوفر یافتند. شواهد حاکی است که این کشتار وحشیانه توسط باندهای سپاه دورود سپاه پاسداران انجام گرفت. مطابق تحقیقات انجام شده در درون سپاه پاسداران "گروه تحقیق" به سرپرستی شخصی به نام ملکوتی تشکیل شده که وظیفه آن شناسائی و ترور عناصر انقلابی است. به قرار اطلاع جسد یکی دیگر از دانشجویان دانشگاه رازی به نام عباسعلی تقی پور (سال اول شیمی و اهل کنگاور) پس از یک هفته ربوده شدن در اطراف طاق بستان پیدا شده است.

## توطئه علیه خلق کرد

بنابه اطلاع واصل احمد مفتی زاده روحانی مرتجع معروف که رهبر جاش های منطقه کردستان می باشد، روز ۱۷ فروردین به همراه خلیل ملکعی از فتوادل های عشایر تیره گوه و منطقه دیواندره (که قبلا از دست شاه مخلوع به دریافت نشان فرهنگ برنوشده است) و چند نفر از خود فروختگان امیرجستی به تهران آمده و در جلسه ای با حضور سرتیپ

## سرمایه داران و زمینداران تاندان مسلح شده اند

پس از پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد و شکست سیاست سرکوب خلق و فرار جاشهای خود فروخته از شهرهای کردستان، مزدوران وابسته به امپریالیسم هر روز توطئه تازه ای علیه خلق کرد می چینه بند. در شرایطی که مبارزه طبقاتی هر روز اوج بیشتری می گیرد و زحمتکشان شهر و روستا به منافع خود آگاهی می یابند، روستائیان منطقه "دیواندره" با ایجاد شوراهای دهقانی اقدام به مصادره زمین های زمینداران بزرگ و فتوادل های مرتجع در منطقه نموده اند. آنها دیگر نمی خواهند مثل گذشته برده وار زندگی کنند و برای کسب حقوق خود به

مبارزه ای عظیم روی آورده اند. در این رابطه است که سرمایه داران و زمینداران بر مرگ خود راه چشم دیده اند و شروع به جاش گیری در منطقه نموده، می خواهند به هر شکل ممکن جلورشد مبارزاتی توده های زحمتکش را بگیرند. در حالی که فتوادلها، زمینداران بزرگ و سرمایه داران در گوشه و کنار میهن ما، برای سرکوب زحمتکشان مسلحانه عمل می کنند، خلع سلاح مردم جز خیانت به منافع آنان، هیچ معنای دیگری ندارد. خیانت به منافع آنان، هیچ معنای دیگری ندارد.

# بنی صدر، موافق قطع ارتباط با آمریکا یا مخالف آن؟ کدامیک!

اوپس از تسخیر سفارت گفت:

"اشغال سفارت دست کم همین عجز دولت انقلاب از حفظ امنیت حتی در مرکز کشور است و بر این امر، نتایج نا مطلوب، بار است"

نقل از مصاحبه بنی صدر با اطلاعات روز ۱۵ آبان ۱۳۵۸

به پای امپریالیسم آمریکا بریزند، جریان داشت. واکنش‌هایی که نیروهای موجود در حاکمیت در مورد اشغال مرکز جاسوسی بخصوص افشاکری‌های سیاسی از خود نشان دادند، عاملی بود برای اینک توده‌ها دوستان واقعی خود، دوستان نا پیگیر و موقتی خود، و دشمنان خود را بهتر بشناسند. اشغال مرکز جاسوسی در تعادل سیاست بین‌المللی نیز مسائلی پیش آورد و سازشکاران را به تکاپوی بیشتری واداشت.

آقای بنی صدر یکی از کسانی بود که از همان آغاز اشغال مرکز جاسوسی با آن به مخالفت برخاست و در تمام مدت ۶ ماه که از این حرکت می‌گذرد، چه در پست وزارت امور خارجه و چه در پست ریاست جمهوری همواره تلاش کرد که "بحران" رابطه بین ایران و آمریکا را به نحوی پایان دهد. بنی صدر در همان روزهای اول گفت: "اشغال سفارت دست کم همین عجز دولت انقلاب از حفظ امنیت حتی در مرکز کشور است و بر این امر، نتایج نا مطلوب بار است".

(نقل از روزنامه اطلاعات - سه شنبه ۱۵ آبان ۵۸)

ما هم معتقدیم که دولت "انقلابی" بازرگان عاجز بود، ما عجز دولت بازرگان را در این می‌بینیم که بنا به ماهیت طبقاتی اش نه تنها نمی‌توانست مسائل توده‌ها را پاسخ گوید بلکه درست در مقابل منافع توده‌ها قرار داشت. بنی صدر عجز دولت بازرگان را در عدم توانایی‌اش برای "حفظ امنیت" مرکز جاسوسی آمریکا می‌بیند. "حفظ امنیت" از شعارهایی است که بنی صدر از قبل از ریاست جمهوری مطرح می‌کرد و امروز می‌خواهد با بازسازی ارتش، خلع سلاح توده‌ها و انهدام شوراهای، این شعار را عملی سازد. در این بیان بنی صدر باز نوعی از "حفظ امنیت" را پیش می‌کشد که خوشایند سرمایه‌داران است، نوعی از "جزیره ثبات و آرامش" در حالیکه زحمتکشان ما به خطر افتادن "امنیت" مرکز جاسوسی آمریکا را گامی در جهت کسب امنیت برای میهن‌شان به حساب می‌آورند.

به این ترتیب آقای بنی صدر با پیش کشیدن مسئله "حفظ امنیت" مخالفت خود را با اشغال مرکز جاسوسی اعلام می‌کند. اما مخالفت وی با این حرکت نه از موضعی مترقی بلکه برعکس از موضع مبارزیدن به گسترش مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها صورت می‌گیرد.

بنی صدر درست در زمانی که شور مبارزات ضدامپریالیستی در میهن ما اوج گرفته و دامنه این مبارزات گسترده‌تر می‌شود، می‌خواهد با "مذاکره" مسئله را فیصله دهد. مذاکره بین طرفین متخاصم یکی از شیوه‌هایی است که در تمام مبارزات به کار گرفته می‌شود اما نه به صورتی که آقای بنی صدر در جهت آن تلاش می‌کند. در هر مبارزه‌ای توده‌ها با علم به کسب امتیاز بیشتر از دشمنانشان،

دو سال از آغاز مبارزات آشکار و بی‌امان توده‌ها علیه امپریالیسم و دیکتاتوری می‌گذرد. توده‌های به‌پاخاسته میهن ما بعد از سرنگون کردن رژیم سلطنتی شاه، بی‌وقفه مبارزات خود را علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا گسترش داده‌اند. نیروهای انقلابی و پیشرو در ارتقاء سطح مبارزات توده‌ها و سمت دادن به آن گام‌های موثری برداشته‌اند و اینک مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها وارد مرحله جدی‌تری شده‌است. توده‌های میلیونی که تا مین "استقلال، کار، مسکن، آزادی" برای کلیه زحمتکشان را در گرو مبارزه‌های قاطع، همه‌جانبه، پیگیر و بی‌امان با امپریالیسم جهانی می‌بینند، به یاری انقلابیون کمونیست و نیروهای ملی - مذهبی مترقی، مبارزات خود را در کارخانه‌ها، مزارع، ادارات، مدارس و دانشگاه‌ها شکل می‌دهند و بر مبارزات ضدامپریالیستی خود اوج و عمقی تازه می‌بخشند. از بعد از قیام بهمن‌ماه و سرنگونی شاه توده‌ها هیچ شعاری را قوی‌تر و پرصلاحت‌تر از "مرگ امپریالیسم، مرگ پادشاه" بر زبان نیاوردند و هیچ بسیج و دعوتی جز دعوت به راهپیمایی و تظاهرات علیه امپریالیسم این چنین توده‌ها را میلیون‌ها میلیون به خیابان‌ها نریخته‌است. در این مدت مردم ما از شعارهای انحرافی استقبال چندانی نکردند و در نتیجه تلاش‌هایی که برای بسیج توده‌ها در جهت‌های انحرافی و علیه انقلابیون کمونیست و نیروهای مترقی صورت گرفته، در اساس بی‌ثمر مانده‌است.

اقشار و طبقات تحت ستم هر کدام بنا به منافع طبقاتی خاص خود با امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران که تماماً وابسته به امپریالیسم است، مبارزه می‌کنند. کارگران در کارخانه‌ها، دهقانان در روستاها دانشجویان و دانشآموزان در دانشگاه‌ها و مدارس پرسنل انقلابی ارتش در پادگان‌ها کسبه و پیشه‌وران در بازار، طلاب و روحانیون مبارز در حوزه‌های فعالیت خویش مبارزات خود را در اشکال خاص خود پیش می‌برند و نیروهای انقلابی و پیشرو در اجرای رسالت مهم تاریخی خود، در جهت سازماندهی و تشکل طبقه کارگر و توده‌ها و ارتقاء سطح مبارزاتی آنها گام‌های استواری برمی‌دارند. در تب و تاب گسترش یابنده چنین مبارزاتی است که مرکز جاسوسی آمریکا اشغال می‌شود.

اشغال مرکز جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام "انعکاسی از مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک توده‌هاست. این حرکت که انعکاس خشم و کینه بی‌پایان توده‌ها علیه امپریالیسم است، قدم موثری بود برای آشکار شدن صف‌بندی نیروها. تسخیر مرکز جاسوسی تجللی آشکار درگیری‌های سیاسی بود که در حاکمیت بین آنها که خواهان ادامه مبارزه با

امپریالیسم بودند و آنها که می‌خواستند برای حفظ منافع طبقه سرمایه‌دار همه ثمرات انقلاب مردم را

● اقشار و طبقات تحت ستم، هر کدام بنا به منافع طبقاتی خاص خود با امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران که تماماً وابسته به امپریالیسم است، مبارزه می‌کنند.

نمایندگان خود را برای مذاکره با دشمن می‌فرستند اما بنی صدر می‌خواهد همه چیز را درست در زمانی که مبارزات مردم رو به گسترش است، مذاکره حل‌کننده را هر طوری شده از ادامه و گسترش مبارزات ضدامپریالیستی مردم جلوگیری کند. او برای عملی کردن مقصود خود با سفرا و کاردارهای خارجی به مذاکره می‌نشیند و می‌گوید: "... از کشورهای خود بخواهید که آمریکا بهبودی که اعلام کند دیگر در امور داخلی مداخلت نخواهد کرد. ما قصد قطع رابطه با آمریکا را نداریم. ..."

(نقل از روزنامه اطلاعات - دوشنبه ۲۱ آبان ۵۸)

و در جای دیگر در مصاحبه با لوموند می‌گوید: "دولت آمریکا باید قبلاً با انتشار اعلامیه‌های به جنایاتی که به دست رژیم سابق مرتکب شده اعتراف کند و حق ما را در تعقیب شاه و دستیارانش به رسمیت بشناسد و از این پس نیز استقلال و حاکمیت ایران را محترم شمارد در این صورت مسئله گروگان‌ها به راحتی حل خواهد شد."

(نقل از اطلاعات - پنجشنبه ۱۱ بهمن ۵۸)

تلاش بنی صدر در این بیانات برای اینکه هر چه زودتر "غائله" را ختم کند به خوبی روشن است. وی علاوه بر اقداماتی که در جهت کنترل مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها می‌کند، اذهنان را در شناختن اصلی‌ترین دشمن خلق، به کجراه می‌برد و می‌خواهد مرز بین دوستان و دشمنان مردم ما را مخدوش کند چه او اولاً از سفرای کشورهای مثل ژاپن، فرانسه، آلمان و سایر کشورهای اروپای غربی می‌خواهد که بین ایران و آمریکا واسطه قرار گیرند این کشورها که خود کشورهای امپریالیستی هستند دوستان آمریکا و خونخوارترین دشمنان مردم زحمتکش ما هستند، مسلماً چنین کشورهایی در هر قدمشان بر ضد منافع زحمتکشان ما عمل خواهند کرد. ثانیاً بنی صدر از دولت آمریکا، دولتی که سرکرده جهانخواران است، دولتی که برای تامین منافع امپریالیسم جهانی، کارگران و دهقانان و کلیه زحمتکشان ما و جهان را شدیداً بهره‌کشی می‌کند، دولتی که سالها خلق مبارز ایران را زیر چکمه‌های دیکتاتوری شاه نگهداشته بود، دولتی که میلیون‌ها بمب بر سر زحمتکشان رزمنده جهان ریخته‌است، دولتی که منابع کشورها را به غارت می‌برد، بنی صدر از چنین دولتی می‌خواهد که فقط به گناهان خود اعتراف کند و قول دهد که دیگر در امور داخلی ما دخالت نکند و "استقلال و حاکمیت" ما را به رسمیت بشناسد.

بقیه در صفحه ۷

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی نظامی،

### روستائیان قریه نوجین: وقتی می گوئیم حق ما را پایمال کرده اند می گویند صبر انقلابی داشته باشید

گروهی از اهالی قریه نوجین از توابع "فراشند" فیروز آباد فارس طی نامه‌ای فلاکت حاکم بر روستای خود را با مادر میان گذاشته اند.

آنچه که زحمتکشان این روستا در نامه خود به صراحت عنوان می‌کنند به خوبی نشان می‌دهد که چگونه توده‌های قهرمان میهن ما، در عمل پیوج بودن تمام وعده و وعیدهای مسئولین حکومتی در مورد برآوردن نیازمندی‌های آنان را با گوشت و پوست خود درک می‌کنند. آنها در جریان زندگی‌شان می‌بینند که یک سال از قیام می‌گذرد ولی در این مدت جز حرف‌های توخالی چیزی عایدشان نشده است.

آنها در نامه‌شان می‌گویند: "ما اهالی قریه نوجین از توابع فراشند فیروز آباد فارس که مدت دهها سال است که زیر سخت‌ترین ظلم‌ها و تجاوزهای مالکین و فئودال‌های این حوالی دست و پامی‌زنیم، در مدت یک سال گذشته به اوج خود رسیده و تاکنون هیچ فریادرسی به داد این مردم بی‌دفاع نرسیده و دامنه تجاوزها و مبارزه زحمتکشان برای نابودی فقر و گرسنگی و بی‌خانمانی هرروز دامنه وسیع‌تری می‌یابد. هرروز که می‌گذرد زنان، کودکان و نوجوانان بیشتری که به مردم محروم و زحمتکش تعلق دارند به میدان می‌آیند و در عرصه مبارزه طبقاتی به پیکار برمی‌خیزند.

آنچه در زیر می‌خوانید جلوه‌ای از این حقیقت است:

"در امتداد خیابان کارگر، دو دختر بچه که از ظاهرشان پیداست به خانواده‌های زحمتکش و محروم تعلق دارند، اعلامیه‌هایی را که به خط خود نوشته‌اند، میان مردم توزیع می‌کنند. روحیه‌شان مقاوم و پر خاشجواست. سنگین و با اعتماد به نفس یک اعلامیه را به من می‌دهند. نگاهشان امیدوار و مصمم است. اعلامیه را می‌گیرم و می‌خوانم:

توجه بسم‌اله توجه

مردمان عزیز لطفاً به حرف‌های من گوش کنید. در این خرابه مردمانی هستند که حتی وقتی می‌خواهند بخوابند، پاهایشان به دیوار می‌خورد و نمی‌توانند استراحت کنند و آبتهایی که

زورکوشی‌های این اشخاص گسترده‌تر شده تا جایی که بعضی از مردم ساکن نوجین دست از زندگی و کشاورزی خود کشیده و دست زن و بچه‌های خود را گرفته، خانه و کاشانه خود را رها کرده‌اند. هرروز به بهانه‌های مردم رادرجوالی ده کتک‌کاری می‌کنند. و سپس می‌افزایند "ماتاکنون به کلیه دادگاه‌ها و مراکز امنیتی شکایت کرده‌ایم ما نمی‌دانیم بندگان خدا بیم یا غلامان حلقه به گوش فئودال‌ها چرا زمینهای مارا که تنها نان آور زن و بچه‌هایمان است با تهدید اسلحه گرفته‌اند؟ هر وقت داد می‌زنیم می‌گویند حقمان را پایمال کرده‌اند می‌گویند صبر انقلابی داشته باشید، درست می‌شود. زمین‌های ما را اشغال کرده‌اند، زراعت‌ها را چرانیده‌اند، تلمبه آبی را خراب کرده‌اند، هزار نوع تجاوزهای دیگر روستائیان زحمتکش قریه نوجین با گوشت و پوست خود مظالم مالکان بزرگ و سرمایه‌داران را لمس می‌کنند

این وضعیتی است که اکنون در سراسر ایران وجود دارد. زحمتکشان "نوجین" اگر

### دهقانان ترکمن صحرا تا پای جان

### از زمین‌های خود دفاع خواهند کرد

خسروی این سرسپردگان رژیم پهلوی با کسب اجازه فرمانداری گنبد به روستا بازگشته‌اند. این زمینداران بزرگ از فراری‌هایی هستند که همدست هژبریزدانی بوده‌اند و علاوه بر اینها چندین زمین‌دار بزرگ دیگر نیز ادعای کسب اجازه بازگشت به روستاها را از فرمانداری گنبد گرفته‌اند.

بدون شک دهقانان ترکمن صحرا، در مقابل این اقدامات ساکت نخواهند نشست. مساله زمین تنها با مصدوره انقلابی زمین زمینداران بزرگ و سپردن اموال آنها به شوراهای واقعی دهقانان قابل حل است. دهقانان ترکمن صحرا از شوراهای دهقانی پیگیرانه دفاع می‌کنند و به مبارزات خود علیه زمینداران بزرگ و حامیان آنان ادامه خواهند داد.

بعد از پورشو سرکوب نا جوانان مردانه خلق ترکمن، بخصوص ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا زمینداران بزرگ منطقه که منتظر چنین روزی بوده‌اند و جنگ‌گنبد را به باری سپاه پاسداران و فرماندهان ارتش و حمایت رئیس‌جمهور بنی‌صدر برپا داشتند، با کسب اجازه از مسئولین امر به روستاها بازگشته و دوری چندین ماهه‌ای را که از ترس شوراهای روستایی جرات باز دید شبانه را از زمین‌های غصبی نداشتند، جبران می‌کنند. آنها اکنون روزانه و با اطمینان کامل به سر مزرعه‌ها آمده‌اند و زمین‌هایی را که از طرف شوراها و با خرج و مخارج و اتحاد دهقانان کاشته شده است، صاحب شده‌اند. از جمله جنرال و اشراق اشراقی و فروغ‌الله اشراقی و حاجی رمضان

### "ما برای خانه دفاع می‌کنیم"

می‌بینند که هرروز زندگی دشوارتر می‌شود. گرسنگی، فقر، بی‌خانمانی هرروز دامن تعداد بیشتری را می‌گیرد. فکری برای محل زندگی آنها نمی‌شود و تازه وقتی خانه‌های خالی سرمایه‌دارها را مشاهده می‌کنند، آنها را بیرون می‌کنند برای آنها انقلابی دیگر لازم است و به این انقلاب، که انقلاب زحمتکشان است، آهسته آهسته فکر و اندیشه می‌کنند.

موقع برگشتن پسرکسی میدود و داد می‌زند: "اگر دوباره آمدی برامون کتاب مپاری؟" می‌گویم: "آره که میارم. چه کتابی میخوای؟"

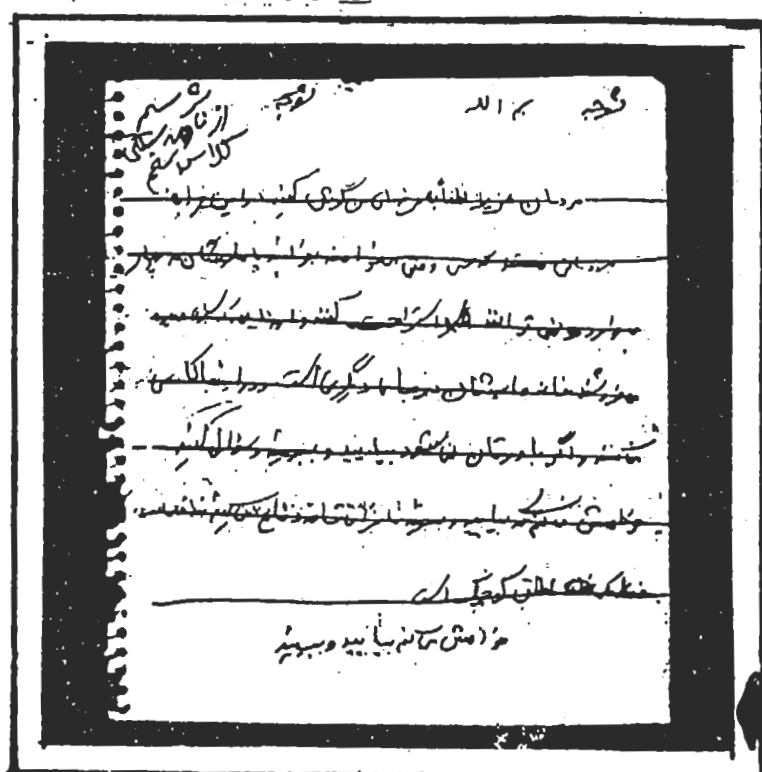
کمی مکث می‌کند و در حالیکه با بلوزش بازی می‌کند می‌گوید: "صمد بهرنکی" و ...

من اعلامیه آنها را برای "کار" می‌فرستم تا از این طریق زحمتکشان میهن‌بینند که جایی وجود دارد که حرف آنها را می‌زنند. جایی وجود دارد که آنها را دعوت به اتحاد و تشکل و مبارزه می‌کند تا "استقلال، کار، مسکن و آزادی" به دست آورند.

خیابان "کارگر"، کمی بالاتر از میدان "انقلاب" محله‌شان را پیدا می‌کنم. درست مثل چندین و چند محله دیگری است که در گوشه و کنار تهران و شهرهای دیگر زحمتکشان در نهایت فقر و تنگدستی در آن زندگی می‌کنند. دخترک می‌گوید: "ما خیلی حرفها داریم که بگیم اما کسی گوش نمیده." فکر می‌کنم که او به تدریج می‌فهمد حرف‌هایش را به چه کسانی باید بگوید. آنها در انقلاب شرکت داشتند. از میان ۷۰ هزار کشته و صدها هزار زخمی، آنها و مانند آنها بیشترین سهم و تنها سهم را داشته‌اند. در میان کشته‌های انقلاب یک نفر هم سرمایه‌دار و اعیان و انصار آنها وجود ندارد. با این همه، انقلاب برای زحمتکشان تا کنون کمترین سهم را قائل شده است. زحمتکشان در انقلاب شرکت کردند چون خواهان استقلال، کار، مسکن و آزادی بودند. یکسال از انقلاب گذشت و آنها

خواهش می‌کنم بیائید و ببینید. راه می‌افتم تا ببینم کجا زندگی می‌کنند. با آنها احساس همبستگی و پیوند می‌کنم. دلم می‌خواهد در مبارزه "برای زندگی بهتر" رفیق و همراهان باشم. در

سبزی و میوه می‌فروشند، خانه‌هایشان در جای دیگری است و در اینجا کاسبی می‌کنند و اگر باورتمان نمی‌شود، بیائید و ببینید ما برای خانه دفاع می‌کنیم. خانه‌ها فقط یک اطاق کوچک است.



"در امتداد خیابان کارگر، دو دختر بچه که از ظاهرشان پیداست به خانواده‌های زحمتکش و محروم تعلق دارند، اعلامیه‌هایی را که به خط خود نوشته‌اند، میان مردم توزیع می‌کنند. روحیه‌شان مقاوم و پر خاشجواست. سنگین و با اعتماد به نفس یک اعلامیه را به من می‌دهند. نگاهشان امیدوار و مصمم است. اعلامیه را می‌گیرم و می‌خوانم:

توجه بسم‌اله توجه

مردمان عزیز لطفاً به حرف‌های من گوش کنید. در این خرابه مردمانی هستند که حتی وقتی می‌خواهند بخوابند، پاهایشان به دیوار می‌خورد و نمی‌توانند استراحت کنند و آبتهایی که

۱۷ آوریل سالروز پیروزی خلق کامبوجیا بر رژیم دست‌نشانده لئونول

# کامبوجیا: پنج سال پس از انقلاب ۱۹۷۵

بودند، به کمونیست‌های کامبوج پیوستند. در این زمان در حزب کمونیست کامبوج دو خط‌مشی وجود داشت.

## دو خط‌مشی در حزب کمونیست کامبوجیا

خط‌مشی اول بر وحدت نیروهای ملی در مبارزه ضد استعماری دوشادوش انقلابیون ویتنام و لائوس تأکید می‌کرد و خط‌مشی دوم سرنگون ساختن حکومت سلطنتی سیهانوک را به عنوان وظیفه میرم جنبش انقلابی قرار می‌داد. پول پوت که از انگیزه‌های قدرت طلبی نیز برخوردار بود، طرفدار خط‌مشی دوم بود.

در سال ۱۹۵۴ امپریالیسم آمریکا به رویارویی مستقیم با مردم کامبوج برخاست و سیهانوک در مقابل آمریکا شعار استقلال ملی را مطرح نمود. در اینجا بود که تمایز این دو خط‌مشی بطور بارزی نمودار گردید.

در سال ۱۹۶۳ هنگامی که دبیر اول حزب، تاج ساموت سرگرم دیداری از ویتنام بود، پول پوت خود را دبیر اول حزب اعلام نمود و تاج ساموت پس از بازگشت به کامبوج در یک توطئه سوء قصد بطور مشکوکی به قتل رسید که علل و عوامل این سوء قصد هیچگاه روشن نشد. در این دوره خط‌مشی پول پوت، به علت انحراف آن نتوانست نفوذ وسیعی در میان توده‌ها پیدا نماید و سیهانوک نفوذ زیادی در میان توده‌ها داشت. خط‌مشی اول تا هنگام کودتای امپریالیستی ۱۹۷۰ همچنان در حزب در اقلیت باقی ماند.

پس از کودتای امریکائی ۱۹۸۰ پول پوت تحت فشار واقع شد و سیاست تشکیل جبهه متحد ملی با سیهانوک را پذیرفت و این جبهه (F.U.N.K) در هجدهم مارس ۱۹۷۰ تشکیل گردید. رژیم لئونول که کنترل پایتخت و شهرهای اصلی را در دست داشت، دولت "جمهوری خمر" را بدو خود آورد که مورد حمایت همه‌جانبه امپریالیسم بود.

سیهانوک در هنگام کودتا در پاریس به سر می‌برد به دعوت چین به این کشور رفت و در اتحاد با کمونیست‌ها "دولت سلطنتی وحدت ملی" در تبعید را به وجود آورد و خیوسام فان رهبر جبهه متحد ملی معاونت نخست‌وزیری را به عهده گرفت. این دولت دارای دو بخش یکی در داخل کامبوج و دیگری "بخش خارج" در خاک چین بود. در آغاز سال ۱۹۷۳ پیش از نود درصد خاک کامبوج تحت کنترل دولت موقت درآمده بود و جبهه متحد ملی از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود.

سرانجام در ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ ارتش آزاد بیخس ضربات نهائی را بر پیکر رژیم لئونول وارد ساخت و بنوم پن را فتح کرد. لازم است گفته شود که پیروزی انقلاب ۱۹۷۵ به میزان زیادی مرهون کمک‌های بی‌دریغ و همبستگی رزمندگان انقلابی ویتنام با انقلاب کامبوج بود که کمک‌های نظامی و همچنین تعلیمات نظامی وسیعی در اختیار نیروهای جبهه متحد ملی قرار داد.

بقیه در صفحه ۱۳

**در نتیجه تئوری و عمل ارتجاعی که ساختمان سوسیالیسم را در بازگرداندن جامعه به اعماق قرون می‌دید، ضربات شدیدی به توسعه و تکامل جامعه کامبوج وارد آمد. این تئوری و عمل مورد حمایت و تشویق رهبری چین قرار داشت و "پول پوت" آن را در کامبوج نمایندگی می‌کرد.**

یا دولت جداگانه‌ای تشکیل دهد، آزاد خواهد بود که به فدراسیون بپیوندد و یا آن را ترک گوید. آن خلق می‌تواند سیستم مورد علاقه خود را دنبال نماید. اتحاد برادرانه خلقها باید بر اساس اصول صداقت انقلابی، آزادی و برابری قرار گیرد. حزب کمونیست هندوچین در طول ۲۱ سال موجودیت خود توانست به وظایف تاریخی خویش عمل نماید. سه ملت هندوچین در زیر رهبری حزب و در اتحادی تنگاتنگ به مانند یک نیروی واحد به پا خاستند و در پاییز سال ۱۹۴۵ فاشیست‌های ژاپنی را سرنگون ساختند و جنگ آزادیبخش علیه استعمارگران فرانسوی را گسترش دادند.

## تشکیل احزاب کمونیست جداگانه در کشورهای هندوچین

در فوریه سال ۱۹۵۱ بنا بر پیشنهاد انقلابیون کمونیست ویتنام و موافقت سایرین، حزب کمونیست هندوچین منحل اعلام گردید و در هر یک از سه کشور احزاب کمونیست، ارتش‌های آزادیبخش و جبهه‌های متحد ملی جداگانه به وجود آمدند. در عین حال نیروهای انقلابی هر سه کشور بر پایه اصول استقلال‌رای، برابری، همکاری مشترک و احترام متقابل به حق حاکمیت یکدیگر به مبارزه مشترک خود ادامه دادند. در پی این تصمیم حزب کارگر ویتنام (بعد حزب کمونیست ویتنام)، حزب انقلابی خلق کامبوج (بعد حزب کمونیست کامبوجیا) و حزب انقلابی خلق لائوس و هم چنین اتحادیه استقلال ویتنام (ویت‌مین)، جبهه ایسالالائوس و جبهه ایساراک خمر به وجود آمدند.

حزب انقلابی خلق کامبوج و جبهه ایساراک رهبری مبارزات ۹ ساله ۱۹۴۵-۱۹۴۵ علیه استعمارگران فرانسوی را هدایت نمود. در سال ۱۹۵۳ عده‌ای از روشنفکران کامبوج که "پول پوت" نیز در میان آنها بود و در پاریس تحصیل کرده

در سال ۱۹۷۰ امپریالیسم آمریکا همزمان با گسترش دخالت نظامی خود در هندوچین، حکومت سلطنتی سیهانوک را از طریق یک کودتای نظامی ساقط نمود و رژیم دست‌نشانده لئونول را بر مسند قدرت نشاند. پنج سال بعد در هفدهم آوریل ۱۹۷۵ (۲۸ فروردین) نیروهای ارتش آزادیبخش با فتح بنوم پن حکومت لئونول را سرنگون ساختند و دولت دمکراتیک کامبوجیا را تأسیس کردند. وقایعی که پس از پیروزی انقلاب ۱۹۷۵ کامبوج در این کشور اتفاق افتاد و سرانجام به سرنگونی دار و دسته پول پوت منجر گردید. می‌باید در پرتو برخورد به جریان مبارزه طبقاتی در حزب کمونیست کامبوجیا مورد ارزیابی قرار گیرد. غلبه تفکر سوسیالیسم تخیلی در جبهه کمونیست کامبوجیا - که نوعی بازگشت به کمون اولیه و برقراری مناسبات برابری اجتماعی بر زمینه بازگرداندن جامعه به شیوه‌های تولید ابتدائی و هم چنین سیاست خازجی "مبارزه با دو ابر قدرت" و انزوا طلبی را مطرح می‌ساخت (و مورد حمایت کامل رهبران چین بود) - سرانجام شرایط انفجار توده‌ها و سرنگونی دار و دسته پول پوت را فراهم نمود.

تجربه مبارزه طبقاتی در کامبوج و نتایجی که این خط‌مشی تجدید نظر طلبانه که هیچ‌گونه قرابتی با سوسیالیسم علمی نداشت، به بار آورد می‌باید مورد ارزیابی و تحلیل همه‌جانبه مارکسیست-لنینیست‌ها قرار گیرد. این تجربه نشان‌دهنده ورشکستگی کامل تفکرات بورژوازی و خرده‌بورژوازی "سجھانی" است که رهبری چین و هواداران آن را نمایندگی می‌کنند.

ما در اینجا به مناسبت سالگرد انقلاب ۱۹۷۵ کامبوج نظری کوتاه بر پیروسی مبارزه طبقاتی در حزب کمونیست کامبوجیا می‌افکنیم.

## تشکیل حزب کمونیست هندوچین و اوج‌گیری مبارزه انقلابی

در سال ۱۹۳۰ حزب کمونیست هندوچین با شرکت کمونیست‌های ویتنام، کامبوج و لائوس تشکیل گردید. در این زمان امپریالیسم فرانسه سرتاسر خاک هندوچین را مستعمره خود ساخته و دول این کشورها را برانداخته، دستگاه واحد تحت کنترل یک فرماندار کل فرانسوی برای اداره مستعمره ایجاد کرده بود. فرانسه سیاست معروف "تفرقه بینداز و حکومت کن" را دنبال می‌کرد و سعی داشت با ایجاد تفرقه بین خلق‌های منطقه، آنها را از مبارزه متحد با دشمن مشترکشان باز دارد. با درک اهمیت این مسئله بود که کمونیست‌های سه کشور هندوچین، حزب کمونیست هندوچین را برای رهبری مبارزات خلق‌های هندوچین با هدف "استقلال کامل هندوچین و زمین برای دهقانان" تأسیس نمودند. سیاست حزب در قبال مسئله خلقها که در سال ۱۹۳۵ تصویب شد، اعلام می‌کرد: "پس از بیرون‌راندن امپریالیست‌های فرانسوی از هندوچین، هر خلقی حق تعیین سرنوشت خود را خواهد داشت. آن خلق می‌تواند به فدراسیون هندوچین بپیوندد و

**مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا**





## راهپیمائی کارگران (خانه کارگر) پیرانشهر



خوشنشینان و دهقانان زحمتکش هستیم. ۴- ما خواستار دستگیری و محاکمه انقلابی ضدانقلابیون و مرتجعین منطقه هستیم. ۵- پشتیبانی بی دریغ خود را از هیئت نمایندگی خلق کرد اعلام می داریم.

کارگران وزحمتکش پیرانشهر، دریک راهپیمائی که به مناسبت ایجاد خانه کارگر برپاگردید، طی قطعنامه‌ای با تاکید بر لزوم ایجاد و تقویت خانه کارگر، به منظور ارتقاء آگاهی و تحکیم همبستگی کارگران وزحمتکش بر علیه سرمایه داران و زمینداران بزرگ، رهسوخاوست‌های انقلابی شان را به شرح زیر اعلام نمودند.

- ۱- ایجاد کاروتاسیس کارخانجات صنعتی در منطقه.
- ۲- پرداخت وام بیکاری به کارگران، تا ایجاد کار در منطقه.
- ۳- ما خواستار زمین بذر و وسایل کشاورزی برای

## همبستگی و مقاومت پیگیرانه کارگران و کارکنان انتشارات امیرکبیر به پیروزی انجامید

ز - یک لیست کردن حقوق کلیه کارگران برای ارسال به سازمان بیمه‌های اجتماعی و پرداخت غرامت به کارگرانی که حق بیمه پرداخت کرده‌اند ولی دفترچه بیمه ندارند، مهلت پرداخت غرامت تا ۱۴ فروردین ۵۹.

ح - مرخصی سالانه تا تدوین قانون کار جدید ۱۷ روز در سال.

ت - پرداخت میزان عیدی به مبلغ یک ماه حقوق در سال.

ی - پرداخت اختلاف دستمزد شورای عالی کار به میزان ۲۰۱۰ ریال از اول فروردین ماه ۵۸ به تمام کارگران انتشارات امیرکبیر، جیبی، خوارزمی، انبار و سایر کارکنان.

۴- حساسی فروشگاه‌ها - ۵- تقبل هزینه فروشگاهها توسط کارفرما.

کلیه فروشگاه‌های امیرکبیر خوارزمی، جیبی موظفند از این تاریخ هیچگونه کتابی به صورت امانت قبول نکنند مگر با اجازه کتبی مدیر انتشاراتی امیرکبیر.

کلیه کسانی که تا آخر سال ۵۸ مرخصی طلب دارند در سال ۵۹ به مرخصی خواهند رفت. برگشت آقایان: عباس آقایی، محمد حاج آقایی و تیمور مقصودی به محل فروشگاه‌های سابق کار خود و پرداخت حقوق و مزایای دی ماه آنها.

در پایان از فعالیت پشتیبانی نمایندگان سندیکای کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه و کارگران کتابفروشی‌های تهران و اتحادیه کتابفروشان کنار خیابان و از تمام افرادی که ما را با کمک‌های مادی و معنوی یاری نموده‌اند، تشکر می‌کنیم

ضمناً متن کامل گزارش ۷۰ روز تحصن خود را به زودی منتشر خواهیم کرد.

زنده باد اتحاد و همبستگی نابود باد سرمایه داری وابسته و امپریالیسم کارگران متحد همه چیز کارگران متفرق هیچ چیز کارگران انتشارات امیرکبیر، جیبی، خوارزمی و انبار ۱۸ فروردین ۵۹

کارگران و کارکنان موسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر، جیبی و خوارزمی که از دهم بهمن ماه ۵۸ به منظور تحقق بخشیدن به خواست‌های خود در یکی از فروشگاه‌های موسسه متحصن شده بودند سرانجام پس از ۷۰ روز مقاومت یکپارچه و پیگیرانه و ضمن افشای کارفرمای موسسه (جعفری که هم اکنون بازداشت است) موفق شدند خواسته‌هایشان را متحقق سازند. آنچه در زیر می‌خوانید متن توافقنامه بین کارگران و کارفرماست.

به نام خدا. دوسان کارگر و مردم مبارز ایران! پس از گذشت ۷۱ روز از تحصن ما کارگران انتشارات امیرکبیر جیبی، خوارزمی و انبار توافقنامه زیر به وسیله نمایندگان ما و نمایندگان سندیکای کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه با محمد رضا جعفری (فرزند کارفرما) و علیرضا حیدری (مدیر عامل شرکت سهامی خوارزمی) و با نظارت نمایندگان دادستان کل انقلاب به امضاء رسید. متن توافقنامه:

۱- عدم اخراج کارگران. ۲- عدم فروختن فروشگاهها مگر با اجازه کتبی دادستان کل انقلاب.

۳- پرداخت حقوق ضایع شده کارگران:

الف - ساعات کار بر مبنای ۸ ساعت در روز که فروشگاه امیرکبیر شعبه بازار و انبار مرکزی پنجشنبه بعد از ظهرها تعطیل می‌باشند.

ب - پرداخت حق مسکن به میزان ۲۵۰۰ ریال از اول بهمن ماه ۱۳۵۸.

ج - پرداخت حق خواروبار برای افراد مجرد ۱۰۰۰ ریال و افراد متأهل ۱۵۰۰ ریال (از اول بهمن ماه ۵۸)

د - ترمیم حقوق کارگران جیبی و خوارزمی و امیرکبیر و انبار به ۲۵۰۰ ریال در ماه از اول بهمن ماه ۵۸.

ه - افزایش حقوق کارگران به نسبت افزایش هزینه زندگی از نیمه دوم سال ۵۹ و پیاده کردن طبقه بندی مشاغل.

و - پرداخت حقوق و مزایای ایام تحصن از اول بهمن ماه ۵۸.

## شورای کارگران معدن سنگ مریوان، پس از مصادره معدن، اداره آنها بدست گرفت

یکپارچگی و پیگیری کارگران معدن سنگ موجب شد تا اداره کار و امور اجتماعی سندج برای خواست‌های شورا صحه بگذارد و کارگران پس از گرفتن مابه‌التفاوت مزد و مزایای قانون کار موفق شدند اداره معدن سنگ را نیز در اختیار خود بگیرند. هم‌اکنون معدن سنگ توسط شورای کارگران اداره می‌شود.

خصوصی" واگذار شده بود. شورای کارگران طی جلسهای خواست‌های کارگران را در دو ماده به شرح زیر اعلام داشت:

- ۱- پرداخت مابه‌التفاوت (۴۰۰ ریال و ۵۶۷ ریال) از اول فروردین ۵۸ و پرداخت کلیه مزایای قانون کار.
- ۲- مصادره معدن از دست بخش خصوصی و اداره آن توسط شورا.

در معدن سنگ برقلعه مریوان، با وجود شرایط طاقت فرسای کار، دستمزد روزانه کارگران ۴۰۰ ریال بیشتر نبوده و علاوه بر آن کارگران از بسیاری از "مزایای قانونی" وزارت کار نیز بی بهره بوده‌اند. این معدن در رژیم گذشته در مقابل پرداخت ۵۰ هزار تومان و دیمه و ده هزار تومان "اجاره سالانه" از وزارت صنایع و معادن به "بخش

## ماشین مقصراست یا سرمایه دار!؟

"تقصیر کامپیوتر است... اگر حقتان را می‌خواهید بروید از ماشین بگیرید، چون کامپیوتر طرف حساب شماست نه ما." کارگران با اعتراض به این اعتراض احمقانه و عوامفریبانه، همچنین در اثر پیگیری شان سرانجام موفق می‌شوند میزان کسری سود ویژه را نیز بگیرند. (البته نه از ماشین بلکه از سرمایه دار) چون کارگران می‌دانند که این طبقه سرمایه دار است که کارگران را استثمار کرده و حاصل کارشان را می‌دزدد نه کامپیوتر و ماشین‌های دیگر.

اولا - چرا باید از ساعات غیبت مان سود ویژه کسر شود ولی به ساعات اضافه کاری مان سود ویژه‌ای تعلق نگیرد؟ ثانيا - اینها سر سود ویژه امسال مان چه بلائی آورده‌اند که اینقدر کم شده؟ آقای اشتیاق مدیر امور مالی و عضو هیئت مدیره، در توضیح این مسئله می‌گوید که "سود ویژه‌ای که به کارگران تعلق گرفته، دقیقاً محاسبه شده و هیچگونه اجحافی نسبت به کارگران نشده است." ولی وقتی با اعتراضات جمعی کارگران مواجه می‌شود اینگونه استدلال می‌کند که

کارگران کارخانه سیتروئن (تهران) پس از دریافت سود ویژه سال ۵۸ متوجه می‌شوند که مبلغ دریافتی شان کمتر از مبلغی است که می‌بایست به عنوان سود ویژه آنها پرداخت می‌شد. این امر مورد اعتراض قرار می‌گیرد. کارگران قبل از هر چیز به نحوه محاسبه سود ویژه و ضوابط آن اعتراض نموده و از شورای کارخانه می‌خواهند که این مسئله را روشن نماید. شورا برای بررسی این امر تشکیل جلسه عمومی می‌دهد. در این جلسه مسئله سود ویژه طرح و بررسی می‌شود. کارگران می‌پرسند:

# استقلال - کار - مسکن - آزادی



## مراسم بزرگداشت شهادت رفیق حمید رضوان

شوشتر - به مناسبت شهادت رفیق حمید رضوان، در زندان جمهوری اسلامی (که گزارش کامل آن در شماره گذشته درج شد) مراسم باشکوهی در زادگاه رفیق، شهر شوشتر برگزار شد. شهادت رفیق حمید رضوان، مردم رادر تأثیری سنگین فرورد و خشم انقلابی مردم را برانگیخت. مردم با شرکت خود در راهپیمایی بزرگداشت خاطره رفیق شهید خشم و نفرت خود را از این جنایت هولناک که پاسداران مسبب اصلی آن هستند ابراز داشتند و خواستار مجازات عاملین این جنایت شدند. مردم اعلام کردند که در برابر این جنایات فحیح هرگز ساکت نخواهند نشست.



## فدائیان خلق به یاری اخراج شدگان عراق شتافتند

انقلابی خلق‌های ایران و عراق در مبارزه علیه امپریالیسم امریکایی و حکومت‌های سرکوبگر منطقه با تمام نیرو کوشش خواهیم کرد و با هرگونه مردم فریبی که در صدد است به اتحاد انقلابی خلق‌های عرب و کرد عراق یا خلق‌های قهرمان ایران آسیب رساند مبارزه خواهیم کرد.

سازمان ما به یاری مردمی که توسط رژیم عراق از خانه و کاشانه خود رانده شده‌بود شتافته است. حمایت بی دریغ زحمتکشان قصر شیرین از این حرکت سازمان و اعتماد صمیمانه‌شان به هواداران و کمک‌هایشان به چادرهای کمک‌رسانی سازمان، تجلی بارز همبستگی روزافزون زحمتکشان ایران و عراق است. ما برای وحدت



## بنی صدر در مناظره تلویزیونی گفته بود که از معرفی عاملین ترور توماج و همزمانی

در زندان جمهوری اسلامی ایران ناجوانمردانه شهادت رسیدند، اصلاً باقی ندارد. بنی صدر تا امروز از انجام این تعهد خود شانه خالی کرده است. بنی صدر علمین این جنایت فحیح را در پناه و حمایت خود گرفته است.

## قانون کار و مساله کارگران موقت

آنکه حتی "مزایای قانون کار" آریامهری نیز از کارگران دریغ شده است، سطح حقوق سیر همور بین ۲۵۰ ریال تا ۴۰۰ ریال باقی مانده است. دهها نمونه از اینگونه اجحافات و تبعیض و ستم طبقاتی را در بسیاری از کارگاهها و کارخانهها می‌توان مشاهده کرد. مادامی که قانون کار صدکارگری آریامهری بر رابطه بین کارگر و سرمایه‌دار حاکم است و مادامی که صوابط و معیارهای کارگری جدیدی تدوین نشده است، همچنان هرروز شاهد چنین تبعیضاتی خواهیم بود.

کارگران با احساس و درک ضرورت تدوین قوانینی عادلانه (کارگری) و درپاسخ به نیازهای مبرم و اساسی‌شان است که ناگزیرند قدم به قدم در جهت اتحاد و تشکلات واقعی کارگران و نمایندگان آگاه آن در سایه چنین تلاش پیگیرانه‌ای قادرند بر قانون کار صدکارگری موجود خط بطلان کشیده و قانون کار جدیدی را که مبتنی بر منافع طبقه کارگر ایران باشد، تدوین نمایند.

همین ضعف تشکل کارگران، قانون کار آریامهری به‌آسانی اعمال می‌شود و کارفرما هیچ‌گونه حقی را برای کارگر اخراجی به رسمیت نمی‌شناسد زیرا این قانون کار آریامهری که اکنون نیز حریان دارد، به کارفرما این اجازه را می‌دهد که حتی اگر از قیافه کارگری هم خوش نیامد، اخراجش کند.

۲- در کارگاه صنایع غذایی دیاموند (جاده قدیم کرج - پشت شیرپاستوریزه) کارگری به نام گل‌خانم و سه فرزندش را که در این کارگاه با هم کار می‌کردند، اخراج می‌کنند. بهانه این اخراج هم این بوده که وقتی بازرسی بیمه برای بازرسی به کارگاه می‌آیند، او (گل‌خانم) به بازرسی گفته که کارگر است و اسمش را در لیست بنویسند و بازرسی هم اسمش را در لیست کارگران ثبت کرده کارفرما خودسرانه او و سه فرزندش را از کار اخراج می‌کند، به این بهانه که گل‌خانم و فرزندانش عنوان کارگر "موقت" داشته‌اند، نه "کارگر".  
در این کارگاه صرف‌نظر از

کارگران حائل شده است، خراب کنند و همراه و هم‌دوش با همه کارگران در مقابل صوابط کارگری واحدی قرار گیرند. هرچند باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که در مقایسه با کارگران "رسمی" کارگران "موقت" به واسطه شرایط کارشان از طرفیت تشکل‌پذیری کمتری برخوردارند و پیگیری و قدرت مقابله‌شان در برابر قوانین و احکام ضد کارگری ضعیف تر است. در اینجا به دو نمونه از برخوردهای ضدکارگری کارفرمایان در مقابل کارگران "موقت" در کارگاه اشاره می‌کنیم:

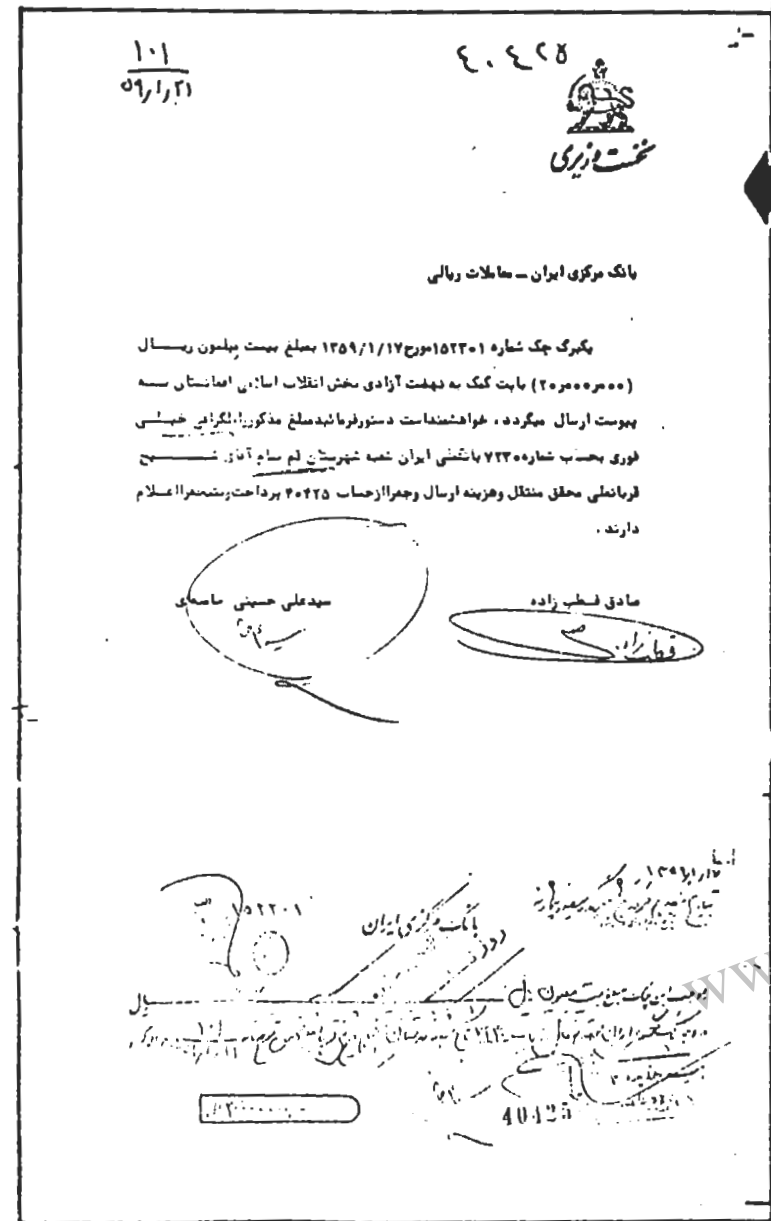
۱- در لابراتوار داروسازی مینا (خیابان ونک) که بطور متغیره ۲۰ تا ۳۰ کارگر دارد و همه محروم از ابتدائی‌ترین حقوق صنفی به کار مشغولند، اخیراً یکی از این کارگران را به خاطر اعتراضی که برای احقاق حقوق خود و همکارانش کرده است، اخراج می‌کنند. اولاً این اخراج هیچ‌گونه حرکت اعتراضی جمعی را بر نمی‌انگیزد، ثانیاً به خاطر

را به سرمایه‌دار می‌دهد که سیاست تبعیض و تفرقه‌اش را تحکیم نماید. و اما کارگر موقت چه مختصاتی دارد؟ کارگر موقت بیمه نیست، روزهای جمعه حقوق نمی‌گیرد، در تعطیلات رسمی تعطیل نیست و اگر هم تعطیل باشد حقوق نمی‌گیرد. حق مسکن و خوار و بار به او پرداخت نمی‌شود، سود ویژه به او تعلق نمی‌گیرد. مرخصی استحقاقی ندارد، بیش از ۸ ساعت در روز کار نمی‌کند و خلاصه از افزایش دستمزد سالانه، اضافه‌کاری، حق اولاد و... دیگر حقوق ابتدائی صنفی نیز محروم است و علاوه اخراج او برای کارفرما آسان تر است. همه اینها به طبقه سرمایه‌دار این اجازه را می‌دهد که دیوار بی‌سنگ کارگران "موقت" و سایر کارگران (رسمی) بکشد. یعنی در واقع در درون طبقه کارگر به کمک قانون کار صدکارگری شکاف اندازد. کارگران موقت قبل از هر چیزی باید این دیوار را که بین آنها و دیگر

سرمایه‌داران در بسیاری از کارگاهها و کارخانهها، کارگران را با دو عنوان کارگر رسمی (استخدامی) و کارگر موقت (پیمانی) استثمار می‌کنند و بر اساس چنین دسته‌بندی‌ای، بر گروه دوم اجحاف بیشتری روا می‌دارند. وقتی کسی بعنوان کارگر مشغول به کار می‌شود، باید در رابطه با صوابط عمومی قانون کار قرار گیرد (اینکه این "صوابط" چگونه صوابطی است، سخن دیگری است که در اینجا مجال بحث آن نیست). طرح مسئله کارگر ثابت و کارگر موقت، طرحی است تبعیض طلبانه و ضد کارگری. سرمایه‌داری این تبعیض را آگاهانه دامن می‌زند تا در مقابل اعتراضات کارگری از قدرت کنترل و سرکوب وسیع‌تری برخوردار باشد. سرمایه‌دار چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی وقتی به کارگری عنوان روزمزد یا پیمانی، فصلی یا موقتی می‌دهد، متعاقب آن به خود این "حق" را نیز می‌دهد که او را از تمام "مزایای" قانون کار نیز محروم سازد و قانون کار نیز متقابلاً این حق

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که  
در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

# در مبارزه مردم خاورمیانه علیه امپریالیسم آمریکا، شورای انقلاب در کنار کیست؟



سندی که می بینید، نشان میدهد که خامنه‌ای و قطب زاده به دستور شورای انقلاب، ۲۰ میلیون ریال در اختیار نیروهای افغانی که با حمایت آمریکا و دولت ارتجاعی پاکستان علیه مردم این کشور می‌جنگند، قرار داده‌اند. این دو نفر قبلاً از طرف شورای انقلاب مأمور این کار شده بودند که خبر آن در مطبوعات درج شده است. شورای انقلاب در شرایطی به کمک دست نشانده‌گان آمریکا در افغانستان می‌شاید که کارگران و زحمتکشان میهن زیر فشار گرانی کمرشکن قرار دارند و برخی از مردم ما به نان شب محتاج‌اند و کارگران بیکار که حق بیمه بیکاری را طلب می‌کنند به گلوله بسته می‌شوند.

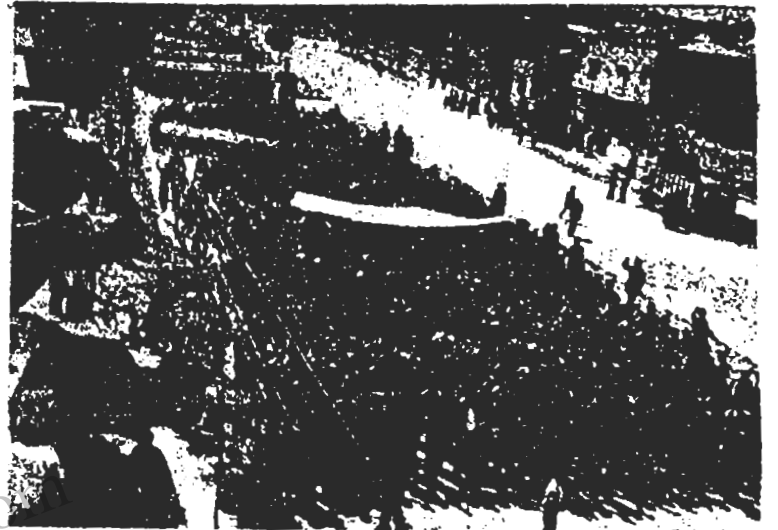
شورای انقلاب ادعا می‌کند با امپریالیسم آمریکا مبارزه می‌کند. اما این سند که تنها یک نمونه از کمک آنها به وابستگی‌ها، آمریکا در منطقه است، نشان می‌دهد که آنها به منافع امپریالیسم خدمت می‌کنند و ادعای مبارزه با آمریکا را تنها در حرف دارند و در عمل درست عکس آن را انجام می‌دهند.

اجتماع پرشکوه مردم شهرها و روستاهای ترکمن صحرا به مناسبت

گرامیداشت چهلمین روز

شهادت فدائیان شهید

توماج، مختوم، واحدی و جرجانی



توسط پاسداران ترور شدند، گردآمده و چهلمین روز شهادت توی را گرامی داشتند. در این مراسم که اکثر زحمتکشان روستایی شرکت داشتند، ابتداء نمایندگی سازمان چریکهای فدائی خلق سخنانی ایراد بقیه در صفحه ۱۰

روز جمعه ۸ فروردین ماه ۵۸ دهها هزار نفر از گروه‌های مردم ترکمن صحرا در روستای یلمه سالیان زادگاه فدائی شهید شیرمحمد درخشنده توماج که با جوانمردانه‌ترین شیوه‌ها هاتفاق همزمانش در زندان جمهوری اسلامی

## باندهای سیاه " در هر کشوری در دوران انقلابی آن کشورها و مدتی بعد از پیروزی انقلابات به وجود می‌آیند و فعالیت‌های ضدانقلابی خود را با برنامه‌ای که از طرف نیروهای ضدانقلاب به آنها داده می‌شود پیش می‌برند.

۱۱ اردیبهشت اول ماه مه روز جهانی کارگر -

روز اتحاد و مبارزه کارگران را گرامی می‌داریم

می‌گمارند. در عصر امپریالیسم کانون اصلی تکوین و رشد چنین باندهای کشورهای امپریالیستی بوده و شبکه‌های وسیع از باندهای سیاه در سراسر جهان گسترده می‌شود. سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی کشورهای امپریالیستی بر فعالیت این شبکه‌ها نظارت دارند و فعالیت این گروه‌ها زمانی به اوج خود می‌رسد که خیزش توده‌ها علیه امپریالیسم و وابستگان نشان اوج می‌گیرد. باندهای سیاه از طرف ضدانقلاب علیه انقلاب به وجود می‌آیند و زمانی شکل می‌گیرند که دیگر بقیه در صفحه

و شکنجه‌نیروهای مبارز و ایجاد محیطی خفقان آلود برای نیروهای انقلابی است. "باندهای سیاه" در هر کشوری در دوران انقلابی آن کشورها و مدتی بعد از پیروزی انقلابات به وجود می‌آیند و فعالیت‌های ضدانقلابی خود را با برنامه‌ای که از طرف نیروهای ضدانقلاب به آنها داده می‌شود پیش می‌برند. نیروهای ضدانقلاب یعنی امپریالیسم، سرمایه‌داران ملاکین و ابادی و کارگران آنها، این باندهای سیاه را سازماندهی کرده و در جهت سرکوب جنبش‌ها و عقب‌راندن توده‌های انقلابی به‌کار

خلق مبارز ایران در دوران پرشکوه انقلاب شاه‌سود پیدایش و رشد گروه‌ها و دستجاتی بودند به نام "جماع به‌دستان" و بعد از قیام دلاوران‌شان نیز می‌بینند که جماع به‌دستان و قدره‌کشان در گروه‌های "حزب الله" گرد هم آمده‌اند. کار این گروه‌ها حمله به تظاهرات و راهپیمایی‌های سازمان‌های انقلابی و ضد امپریالیست، حمله به دفاتر سازمان‌های سیاسی مترقی، حمله به کتابخانه‌ها و آتش زدن کتابها و نشریات، آدم ربائی، تهدید و ترور، دستگیری